

اسلام در زندان دوستان نادان و علمای ناتوان

مؤلف:

عبدالقادر عوده رحمته

مترجم:

عبدالرحمن الله وردی

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.ahlesonnat.com

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.videofarda.com

www.nourtv.net

www.sadaiislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.islam411.com

www.videofarsi.com

بسم الله الرحمن الرحيم
فهرست مطالب

تقديم	۴
پيشگفتار	۵
مقدمه مؤلف	۱۴
آنچه كه دانستنش بر هر مسلمانی واجب است	۱۶
دستورات و پایه‌های اساسی اسلام:	۱۶
قوانین اسلام برای دین و دنیا وضع گردیده است	۱۶
قوانین اسلامی تجزیه ناپذیرند	۲۰
نظام اسلام نظامی الهی و جهانی است	۲۲
نظام اسلام نظامی است کامل و جاودانی	۲۳
مقایسه‌ای بین پیدایش قوانین اسلام و قوانین ساختگی	۲۴
طبیعت نظام اسلام با طبیعت قوانین ساختگی اختلاف دارد	۲۴
اختلافات اساسی بین نظام اسلام و قوانین ساختگی	۲۵
امتیازات اساسی قانون اسلام بر قوانین ساختگی	۲۷
روش اسلام در وضع قوانین	۲۸
حق اُولی الامر در قانون گذاری	۲۸
حكم تجاوز اُولی الامر از اختیارات خودشان	۲۹
علت جایگزینی قوانین اروپایی در کشورهای اسلامی	۳۰
تأثیر عملی قوانین بر شریعت اسلامی	۳۲

- تأثیر نظری قوانین ساختگی بر شریعت اسلامی ۳۳
- حکم تعارض قوانین با شریعت اسلامی ۳۳
- قوانین ساختگی چگونه با مخالفت شریعت اسلامی از وظیفه خویش ساقط می گردد؟ ۳۴
- اندازه آگاهی مسلمانان به نظام اسلامی ۳۹**
- ۱- گروه مردم عوام: ۳۹
- ۲- گروه دانش آموختگان اروپایی: ۴۰
- اولاً: اسلام هیچ رابطه‌ای با سیاست و حکومت ندارد ۴۲
- ثانیاً: پیاده نمودن قوانین اسلامی در عصر حاضر ممکن نیست ۴۸
- مساوات ۴۸
- آزادی ۴۹
- عدالت ۵۰
- شوری ۵۰
- هیئت حاکمه ۵۱
- شراب و طلاق ۵۱
- تعاون و تکافل اجتماعی ۵۲
- احتکار ۵۳
- زنا ۵۳
- ثالثاً: بعضی از دستورات اسلام موقت‌اند ۵۴
- رابعاً: اجرای بعضی احکام از قدرت دولتهای اسلامی خارج است ۵۵
- خامساً: فقه اسلامی آراء شخصی فقهاء است ۵۶
- گروه دانش آموختگان اسلامی ۶۰

۶۲	مناسب است تا علمای اسلام به امور زیر توجه کنند:
۶۵	مسئول نابسامانی‌های مسلمانان کیست؟
۶۵	مسئولیت تودهء مردم:
۶۶	مسئولیت دولت‌های اسلامی:
۶۷	مسئولیت رهبران کشورهای اسلامی:
۶۹	مسئولیت علماء اسلام:
۷۳	ای علمای اسلام!

تقدیم

تقدیم به جوانانیکه می‌خواهند، نهال نظام اسلام را با خون گرانقدر خویش آبیاری نمایند و عزم دارند با تدبیر و سیاست صدیقی و عدالت فاروقی و سخاوت عثمانی و قضاوت حیدری جهان امروز را از ظلمت و ذلت نجات دهند.

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار

هنگامیکه وضع کشورهای اسلامی را مطالعه و بررسی می‌کنیم می‌بینیم که هیچگاه از تعرض و تجاوز قدرتهای بزرگ و ستمکاران شرق و غرب در امان نبوده‌اند و خصوصاً بعد از سال ۱۳۴۲ هجری قمری (۱۹۰۹ میلادی) که خلافت شکوهمند و عظیم اسلامی عثمانی، بر اثر فتوی مفتیان گول خورده و نادانی همچون شیخ اسلام ضیاء الدین آفندی، و موافقت مجلس شورای اسلامی ترکیه سقوط می‌کند و دشمنان اسلام ستیزی می‌دانند و در سراسر گیتی هیچ یاور و مددگاری ندارند، لذا از هر سو به کشورهای اسلامی با نظام و مرام‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و... خویش یورش می‌برند و متأسفانه مسئولین کشورهای اسلامی نظام حیاتبخش اسلام را رها و از قوانین استعمارگران شرق و غرب با کمال وقاحت و بی‌شرمی استقبال می‌نمایند و مردم مسلمان را در ظلمت و تاریکی جهل و نادانی نگه داشته و آنان را به زور، زر و تزویر به پیروی از نظامهای غیر الهی مجبور می‌سازند و مبلغین اسلامی اعم از روحانیون متعهد و تحصیل کرده‌های روشنفکر و با ایمان را مورد حمله و ضرب و شتم قرار می‌دهند تا آنجا که گاهی یک سخنرانی روشنگرانه مذهبی و مقاله‌ای دینی موجب گرفتاری و یورش نابهنگام زندان شکنجه و حتی مرگ و شهادت آنها می‌گردد.

در چنین وضع اسفباری در اکتبر ۱۹۰۶ میلادی مطابق با ۱۲۸۵ هجری شمسی در روستای محمودیه مصر کودکی بنام حسن البناء دیده در این جهان گشود و پدرش شیخ احمد بن عبدالرحمن البناء فقیه و مفسری متبحر در علوم شرعی و مرجع موثق در احادیث پیامبر اسلام ﷺ بود و اکثر اوقات خویش را در تبلیغات و فعالیت‌های مذهبی صرف می‌نمود و برای امرار معاش روزی چند ساعت در بازار ساعت سازی می‌کرد.

حسن البناء این فرزند خردمند اسلام در آغوش تربیت و تعلیم اینچنین پدر مهربان و دلسوزی قرار می‌گیرد و از کردار و رفتار و اخلاق او متأثر می‌شود و مصداق گفتار روحانی مبارز و دانشمند بزرگ اسلام شیخ محمد حامد رحمته الله قرار می‌گیرد که می‌فرماید: «إن المسلمین لم یروا مثل حسن البناء منذ مئات سنین». «مسلمانان از صدها سال است شخصی مثل حسن البناء ندیده‌اند».

بهر حال امام شهید تعلیمات دوره ابتدایی و متوسطه را به پایان می‌رساند و سپس در دانشگاه معروف و مشهور دارالعلوم قاهره که یکی از بزرگترین مراکز علوم جدید در مصر است ثبت نام می‌کند و پس از پایان تحصیلات دانشگاهی در وزارت آموزش و پرورش به سمت دبیری استخدام می‌شود و در طول این زمان با چشم‌های دور نگر و فکر دور اندیش خویش مشکلات مسلمین و جهان اسلام را مطالعه و ارزیابی می‌کند و مهمترین آنها را چنین تشخیص می‌دهد:

۱- جهالت همه جانبه توده مردم مسلمان از نظام و تعلیمات مقدس اسلام و عقب ماندگی آنها از کاروان علم و تمدن.

۲- جدایی و تفرقه مسلمین به عناوین مختلف و گوناگونی از قبیله، قومی، حزبی، گروهی، مذهبی و.....

۳- نفوذ استعمار غربی و شرقی در جهان اسلام و تعطیل قوانین اسلامی و جایگزینی قوانین ساختگی در دادگاه‌های کشورهای اسلامی.

۴- ظلم و ستم و استبداد جنایت و خیانت حکام کشورهای اسلامی بنام اسلام.

۵- سکوت یا همکاری بسیاری از علماء اسلام با مسئولین مزدور و دست نشانده کشورهای استعمارگر.

امام شهید برای علاج این همه دردهای مهلک و رفع این همه نابسامانیها و مشکلات مسلمین جهان در سال ۱۹۲۸ میلادی مطابق با ۱۳۰۷ هجری شمسی با شش تن از یاران

متعهد و جانباز خویش سازمانی را بنام اخوان المسلمین در شهرستان اسماعیلیه مصر پایه گذاری می‌کند.

سازمانی که درباره آن مفکر بزرگ اسلام علامه سید ابوالحسن علی ندوی رحمته الله که یکی از بزرگ مردان تاریخ معاصر و از رهبران مسلک دیوبند و مسئول مؤسسه مهم اسلامی ندوة العلماء هند است در مقدمه کتاب تحریک اخوان المسلمین، (اثر نویسنده مصری محمد شوتی زکی).

در ادامه سخنان خویش اینچنین اظهار نظر می‌فرماید: «که اخوان المسلمین سازمانی است لا یحبهم إلا مؤمنٌ ولا یبغضهم إلا منافقٌ، کسی که در دل ایمان دارد اخوان المسلمین را دوست می‌داد و کسی که در دل نفاق دارد (ایمان ندارد) با سازمان اخوان المسلمین بغض و عداوت می‌ورزد».

امام حسن البناء: با تشکیل دادن این سازمان سعی کرد تا مسلمین جهان مجدداً بسوی نظام اسلامی بازگردند، خرافات و انحرافات عقیدتی و فکری را رها سازند، مؤمن کامل و مکتبی باشند و با علوم و فنون جدید امروز مسلح گردند و با قدرتهای مثلث شوم زور فرعون و زر قارونی و تزویر بلعم باعورایی مبارزه نمایند و علیه هر گونه ظلم و استبداد و استعمار قیام کنند، تا به استبداد داخلی و استعمار خارجی اعم از استعمار سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی و... پایان بخشند.

وحدت و همبستگی دین و سیاست را از نظر شرع مقدس اسلام بفهمند و همیشه در امور سرنوشت ساز کشوری دخالت نمایند، تا در کشورهای اسلامی مسئولین مزدور و منافق مسلمانها، قلع و قمع گردند، و سرنوشت جامعه اسلامی مجدداً بدست مسلمین بازگردد سرانجام در سال ۱۹۴۸ میلادی مطابق با ۱۳۲۷ هجری شمسی در جنگ اعراب و اسرائیل سازمان اخوان المسلمین دستور بسیج عمومی را صادر می‌کند، و تمام مردم، تحت فرماندهی سازمان اخوان المسلمین علیه اسرائیل جهاد می‌کنند و مردم مسلمان با

چشم‌های خویش فداکاری‌ها و جانبازی‌ها و شهادت کفر ستیزان اخوان را مشاهده می‌کنند.

بنابراین، محبوبیت سازمان بطور چشم‌گیری در میان مردم مسلمان عرب افزایش می‌یابد و استعمارگران بیگانه و هیئت حاکمه خائن و مزدور مصر، از نفوذ و گسترش روز افزون سازمان به وحشت می‌افتند، زیرا درمی‌یابند که با وجود سازمان اخوان المسلمین، بهره‌کشی و سودجویی و حاکمیتشان بر مردم مسلمان جهان و خصوصاً مصر، در معرض خطر قرار گرفته و رو بزوال خواهد رفت. لذا برای ریشه کن نمودن این نهضت جدید و تازه و نابود ساختن حرکت توحیدی و خاموش نمودن ندای آزادی‌بخش اسلام بدستور توطئه گران شوم - انگلستان - آمریکا - فرانسه و شوروی و به موافقت شاگرد مجرب و کارآموز ابلیس شاه فاروق خون آشام در بعد ظهر روز چهارشنبه هشتم دسامبر ۱۹۴۸ مطابق با ۱۳۲۷ هجری شمسی نخست وزیر جلاد و معدوم مصر نقراشی انحلال سازمان اخوان المسلمین و مصادره‌ی تمام اموال و دارایی و دستگیری اکثر اعضای سرشناس آن را صادر و در رادیو اعلام می‌کند و در مورد انحلال سازمان اخوان المسلمین آقای محمد علی تقوی مؤلف شکوفایی انقلاب اسلامی در مصر این چنین اظهار نظر می‌کند.

عامل اصلی تصمیم دولت مصر در مورد انحلال سازمان اخوان المسلمین نگرانی استعمارگران بیگانه و هیئت حاکمه از افزایش محبوبیت و نفوذ سازمان بدنبال کارنامه‌ی درخشان و افتخار آمیز آن در جنگ با اسرائیل بود (ص ۱۱۶) و نیز در جای دیگری مینویسد.

عامل اصلی انحلال سازمان، ترس و نگرانی استعمار انگلیس و شوروی و سایر دول استعمارگر از نضج گرفتن یک نیروی سازمان یافته‌ی اسلامی در سطح جهان عرب است و عوامل دیگر عبارت بودند، از زمینه سازی دولت خائن مصر برای آغاز مذاکرات با انگلیس و اسرائیل و آنان پی برده‌اند که اخوان المسلمین این اقدام را تحمل نخواهد کرد

و نیز سرپوش گذاشتن و انحراف افکار از شکست دولت در انجام مسئولیت‌های خود در فلسطین. (شکوفایی انقلاب اسلامی در مصر ص ۱۳۰).

در نهم دسامبر دستگیری اعضای اخوان المسلمین در سطح وسیع و گسترده‌ای شروع و تمام دارایی آن مصادره می‌گردد. و امام حسن البناء به همراهی دستگیر شدگان سوار ماشین می‌شود ولی پلیس انکار می‌ورزد و او را رها می‌سازد. در همین وقت امام صراحتاً به پلیس می‌گوید: «أنتم تقتلونني بعدم القبض علي». «شما مرا دست‌گیر نمی‌کنید تا مرا بکشید».

و نیز چند روز پیش از شهادتش در سازمان جوانان مسلمان گفته بود که: شبی حضرت عمر فاروق رضی الله عنه را در خواب دیدم که بالای سرم تشریف آورده و به آواز بلند فرمود: «ستقتل یا حسن» «ای حسن تو بزودی شهید می‌شوی». من از خواب بیدار شدم و از خوشحالی تا طلوع فجر نخوابیدم و مشغول به خواندن نماز تهجد شدم امام حسن البناء می‌دانست که جان او در خطر است، ولی با کمال شهادت و بی‌پروایی از مرگ نمی‌ترسید و به افشاگری مسئولین کافر مسلمان‌نما می‌پرداخت.

و چند روز قبل از ترور ناجوانمردانه‌ی امام شهید خود روی سواری و اسلحه‌ی کمری وی را مصادره می‌نمایند، راننده و برادران امام که همیشه از او حراست و پاسداری می‌کردند دست‌گیر و رهسپار زندان می‌شوند و در طول این مدت بدستور فرعون قرن بیستم شاه فاروق خون آشام سازمان امنیت مصر برای ترور و شهادت مصلح بزرگ، بطور دقیق برنامه ریزی می‌کند و در ساعت هشت بعد از ظهر دوازدهم فوریه ۱۹۴۹- م هنگامیکه امام شهید پس از پایان سخنرانی از دفتر سازمان جوانان مسلمان خارج و سوار تاکسی می‌شود و در یکی از خیابان‌های پرجمعیت و بزرگ قاهره از ماشین سازمان امنیت مصر بشماره ۹۹۷۹ چندین تیر بسوی امام شلیک می‌شود و این ستاره‌ی درخشان در بیمارستان بدرجه‌ی رفیع شهادت مشرف می‌گردد، «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ».

انتخاب رهبر جدید اخوان المسلمین

و پس از ترور ناجوانمردانه‌ی بنیانگذار اخوان المسلمین در سال ۱۹۵۱ میلادی. حسن الهضیبی رحمته که یکی از قضات معروف و مشهور دیوان عالی کشور که در حدود بیست و پنج سال سابقه‌ی قضاوت داشت از سوی شورای مرکزی بعنوان رهبر جدید اخوان المسلمین و شهید عبدالقادر عوده رحمته معاون انتخاب می‌شوند.

(خفاشان شب پرست دیگر طاقت نور الهی را ندارند)

متأسفانه از سیرت و زندگی این ستاره درخشان و مجاهد نستوه و قانون دان بزرگ عصر جدید، شهید عبدالقادر عوده رحمته اکثریت مردم مسلمان آگاهی و اطلاع ندارند و من می‌خواستم به طور اختصار این بزرگ مرد تاریخ را به مردم مسلمان فارسی زبان معرفی کنم.

ولی با کمال تأسف در حال حاضر مرجع مؤثقی در دست ندارم و فقط این قدر می‌دانم که شهید بزرگوار بعد از تحصیلات ابتدایی و متوسطه برای ادامه تحصیلات عالی در رشته حقوق وارد دانشکده حقوق می‌شود، و در سال ۱۹۳۰ میلادی. تحصیلات دانشگاهی را به پایان می‌رساند و سپس در ادارات دولتی استخدام و بر مسئولیت‌های مختلفی پست می‌یابد و آخرین مسئولیت وی قاضی دادگستری بوده است.

و در این ایام است که با رهبران اخوان المسلمین آشنا می‌شود و تحت تأثیر افکار ایشان قرار می‌گیرد و به مطالعه و مقایسه نظام اسلام و قوانین اروپایی می‌پردازد و بزودی کتاب بسیار ارزشمند «التشريع الجنائي للإسلام» را که در آن نظام اسلام را با قوانین اروپایی مقایسه کرده بود انتشار می‌دهد که مورد استقبال تمام پژوهش‌گران و دانشمندان قرار می‌گیرد.

در سال ۱۹۵۱ - میلادی پادشاه وقت فواد اول اظهار آمادگی می‌کند که برای این کتاب جایزه بزرگی قرار بدهد و دستورات و پیشنهادات آن در قانون مصر داخل کند اما به شرطی که اعلام نماید که عبارت‌های زیر حذف یا تبدیل و تغییر داده شود که در آن

می‌گوید: «در اسلام حکومت شاهنشاهی و وارثی به هیچ شکل و صورتی وجود ندارد و مسئولان کشوری هرگز مافوق قانون نیستند، بلکه در برابر قانون و نظام عدل اسلامی همه برابر و یکسان قرار دارند».

ولی شهید سازش ناپذیر به هیچ صورت برای حذف یا تغییر عبارات مذکور حاضر نمی‌شود و جایزهء مهم فاروق را فدای اسلام می‌گرداند.

بهر حال هنگامیکه این فرزند راستین اسلام نظام و قوانین دادگاه‌های کشور مصر را باطل و خلاف دستورات مقدس اسلام می‌بیند در سال ۱۹۵۱ میلادی از سمت خود یعنی قضاوت استعفا می‌دهد و در سال ۱۹۵۴ میلادی. رژیم جلاد و ستمگر مصر مجدداً به دستگیری هزاران تن از شیرمردان و دلاور زنان پیر و جوان اخوان المسلمین به اتهام سرنگونی رژیم فرعون زمان جمال عبدالناصر اقدام می‌نماید و دادگاه فرمایشی نظامی تشکیل جلسه می‌دهد و در چهارم دسامبر ۱۹۵۴ میلادی. فیصله نهایی بیدادگاه نظامی ناصر این فرزند استعمار درباره متهمین بدین صورت قرائت می‌گردد که تعداد کثیری از کادر مرکزی سازمان به حبس ابد و هفت تن از پیش تازان سازمان و بهترین فرزندان امت اسلامی به اعدام محکوم می‌شوند و آنها عبارت بودند از:

۱- رهبر جدید سازمان اخوان المسلمین حسن الهضیبی رحمته که سپس بعثت کهولت سن محکومیت وی به حبس ابد تبدیل می‌شود.

۲- معاون سازمان و استاد قانون و قاضی دادگستری عبدالقادر عوده رحمته

۳- شیخ محمد فرغلی رحمته روحانی مبارزی که در کانال سوئز فرمانده مجاهدین اسلام از طرف سازمان اخوان المسلمین بود، رادمردی که دولت انگلیس جایزه بزرگی برای قاتلین وی تعیین نموده بود.

۴- یوسف طلعت، دانشمند بزرگی که در سال ۱۹۴۸ در جنگ فلسطین مسئولیت تمرین اسلحه و مهمات جوانان اخوان المسلمین را بعهدہ داشت و او کسی بود که به قصاب انگلیس معروف و مشهور گردیده بود.

۵- استاد شهید قهرمان محمود عبدالطیف

۶- استاد هندوای دویر وکیل مدافع

۷- استاد ابراهیم طیب

و خبر صدور حکم اعدام قانون دان بزرگ عبدالقادر عوده و یارانش موج خروشانى از اعتراض در سراسر جهان اسلام بر انگيخت و مسلمانان متعهد جهان خواستار لغو این حکم ظالمانه شدند. ولی علیرغم خواست مسلمانان آگاه و انسان‌های آزادیخواه عالم در هشتم دسامبر ۱۹۵۴ میلادی. خبرگزاری‌های خارجی از قاهره گزارش دادند که عبدالقادر عوده و پنج تن از بهترین یاران و همسنگران‌ش بدار آویخته شدند.

آقای علی تقوی در مورد شهادت استاد عوده و یارانش چنین می‌نویسد:

«هشتم دسامبر ۱۹۵۴- م روز شومی بود که در آن روز برخی از بهترین مغزهای امت اسلامی همانند عبدالقادر عوده که کتاب نظام قضاء در اسلام و کتابهای متعدد دیگر را به رشته تحریر درآورد و به مجلات زیادی مطالب وی چاپ شده بود به دار آویخته شدند. شب پرستان - ستارگان فروزان اسلام را بی‌رحمانه پایین کشیدند، در این روز علیرغم اعتراض محافل اسلامی سراسر جهان اسلام مردم مصر باشگفتگی و بهت زدگی و یأس و اندوه از رادیو شنیدند که «عوده و یارانش اعدام گریده‌اند». ولی مجاهدین افتخار آفرین اسلام مردانه می‌زییند، و مردانه می‌میرند سر می‌دهند ولی آن را فرو نمی‌آورند و این روز نیز چنین بود، (شکوفایی انقلاب اسلامی در مصر ص ۲۵۸) و میچل که از خاور شناسان آمریکایی است و هیچ همدردی با انقلابیون اسلامی ندارد، نیز مجبور شده صحنه واپسین لحظات عمر عوده و یارانش را حیرت آور توصیف کند او می‌نویسد.....

«عبدالقادر عوده که زندگیش حماسه بود، مرگش نیز حماسه آور بود» واپسین کلمات

زندگی او چنین بود:

سپاس به خدایی که ما را افتخار شهادت بخشید من امیدوارم خون من برای این رژیم خونخوار اسلام ستیز نفرین و لعنت ابدی شود (شکوفایی انقلاب اسلامی در مصر ص ۲۵۹).

و این همه خیانت و جنایت به اسلام و مسلمین در حالی صورت می‌گیرد که در همان هفته چند نفر از جاسوسان اسرائیلی که توسط سربازان گشتی، دریایی مصر دستگیر و رهسپار زندان شده بودند بدستور ناصر جلاد و خون آشام تاریخ آزاد می‌گردند و اما دستگیری و تعذیب و شکنجه جسمی و روحی اعضاء اخوان المسلمین با کمال قساوت و سنگدلی مدتهای طولانی و سالیان دراز ادامه می‌یابد تا جایی که مؤرخین اسلامی و غیر اسلامی نوشته‌اند که، فشار و تعذیب روحی و جسمی محاکم تفتیش عقاید مسیحیان بعد از سقوط دولت اسلامی در اندلس آنچنان نبود که اخوان المسلمین در مصر مورد توهین و تهذیب قرار گرفتند. و إلى الله المشتكى.

بهر حال کتابی که اکنون تقدیم بزرگواران می‌گردد ترجمه «الإسلام بین جهل أبنائه وعجز علمائه».

تألیف استاد بزرگ و قانون دان قرن بیستم و مؤلف کتاب ارزشمند «التشريع الجنائي للإسلام» و معاون سازمان اخوان المسلمین شهید عبدالقادر عوده رحمته الله است که آن را برای رفع شبهات کوردلان ملحد و کافر و مسلمانان جاهل و نادان برشته تحریر در آورده است و مختصراً قوانین ظالمانه شرق و غرب را با دستورات حیات بخش اسلام مقایسه نموده و برتری نظام عدل اسلامی را عقلاً و نقلاً به اثبات کرده است.

و چون مؤلف مرحوم بعضی اوقات مطلبی را چندین بار با تعبیرها و عبارات مختلف و گوناگونی نقل می‌کند که در زبان عربی موجب جذابیت خواننده می‌گردد و در زبان فارسی ترجمه لفظی آنها باعث طولانی شدن عبارت و خستگی خواننده می‌گردد لذا بنده ضمن انسجام مطالب از ترجمه لفظی احتراز نموده‌ام و نیز کاملاً معترفم که ترجمه این کتاب با عباراتی روان و زیبا نگاشته نشده است. و از نظر ادبی دارای نقص و ایراد فراوان است ولی از خوانندگان عزیز پوزش می‌طلبم و امیدوارم که بنده را از عیوب آن آگاه سازند تا در چاپ‌های آینده آن، به یاری خداوند این نقصها برطرف گردد.

عبدالرحمن الله وردی بلوچ

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه مؤلف

سپاس خداوندی که انسان را با قلم آموخت و او را از آنچه نمی دانست آگاه ساخت، درود و سلام بر پیامبر امی حضرت محمد ﷺ که خداوند او را برای رهبری و ارشاد خلق برگزید تا آنان را بسوی خدایشان فراخواند و قرآن را به آنان آموزش دهد و این فرمان الهی را آویزه گوششان قرار دهد.

﴿قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِّمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ ۝ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۝﴾ [المائدة: ۱۵-۱۶].

«همانا از جانب خداوند نور و کتاب آشکاری بسوی شما آمده و خداوند به برکت آن کسانی را که از خوشنودی او پیروی کنند به راههای سلامت هدایت می کند و از تاریکی ها به فرمان خود به سوی روشنایی می برد و آنها را براه راست رهبری می نماید».

و اما آنچه سبب اندوه و پریشانی یک مسلمان می گردد این است که همواره مسلمین جهان را می بیند، که بسوی زبونی و جهالت در حرکت اند در حالیکه نمی دانند، سبب این همه زبونی و نابسامانی ناآگاهی از تعلیمات اسلام و گریز از دستورات مقدس و مترقی آن است و نیز نمی دانند که قوانین فاسد و ساخته دست بشر سبب این همه ضعف و ذلت آنها شده است.

من معتقدم که علت رها کردن احکام شریعت اسلامی این است که ما مسلمین از آن ناآگاه هستیم و علما ما نشسته اند یا از بیان آن عاجزند.

و اگر هر مسلمانی وظیفه خود را طبق دستورات اسلام درک می کرد بلادرنگ بعمل کردن آن می پرداخت و همه مسلمانان سعی می کردند تا در عمل به احکام الهی سبقت

جویند. بنظر من بهترین خدمتی که یک مسلمان برای برادر مسلمان خود انجام می‌دهد، آگاه نمودن او به احکام شریعت اسلامی است و آشکار ساختن مسائلی است که بر او پوشیده مانده، این رساله کوچکی است که من مختصراً تمام آنچه را که برای یک مسلمان تحصیلکرده ضروری است، جمع‌آوری نموده و آنچه را که بعضی از نادانان غربی بدون مدرک و سند به اسلام نسبت داده‌اند، آشکار نموده‌ام. امیدوارم، این رساله پاره‌ای از شبهات مطرح نزد جوانان و روشنفکران را جواب‌گو باشد. که در اذهان برخی از تحصیلکرده‌های، طاری شده است رفع نماید.

و آرزومندم که علمای اسلام رویه خود را تغییر داده با روش تازه‌ای برای خدمت به اسلام قیام کنند زیرا که ایشان وارثان پیامبران و مسئول ابلاغ قوانین آنانند. از خداوند خواستارم تا همه ما را براه راست هدایت فرماید.

مؤلف عبدالقادر عوده

آنچه که دانستنش بر هر مسلمانی واجب است

ما مسلمانان به اسلام افتخار می‌کنیم و علاقمندیم که به اسلام منسوب باشیم اما با کمال تأسف از دستورات آن بی‌خبریم و به مهمترین اصول آن عمل نمی‌کنیم.

دستورات و پایه‌های اساسی اسلام:

احکام عبارت است از اصول و قوانین نازل شده در قرآن که به وسیله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای ما آورده شده است. مجموعه این اصول و قوانین را شریعت اسلامی می‌نامیم، بنابراین شریعت اسلامی عبارت است از مجموعه اصول و قوانینی که اسلام آنها را مشروع ساخته از قبیل توحید، ایمان، عبادات، احوال شخصی، جرائم، معاملات، اداره و سیاست و دیگر اهداف آن و مهمترین اصل اسلام عمل به احکام آن است، زیرا اسلام آمده تا احکام آن شناخته شود و دستورات آن عملی گردد بنابراین اگر کسی به احکام شریعت اسلامی عمل نکند اسلام را رها کرده است (و مسلمان نیست).

قوانین اسلام برای دین و دنیا وضع گردیده است

احکام اسلام بر دو نوع‌اند:

- ۱- احکام دینی از قبیل عقائد و عبادات
- ۲- احکامیکه برای تنظیم دولت و ملت و رابطه افراد و جماعات با یکدیگر وضع گردیده است چون قوانین مربوط به معاملات، مجازات، احوال شخصی، نظام، حکومت و....

پس اسلام در میان دین و دنیا، مسجد و دولت پیوند می‌دهد، بعبارت دیگر اسلام مجموع دین و دولت عبادت و رهبری است. همانگونه که عقائد و عبادات جزئی از اسلام بشمار می‌آید، نظام و حکومت جزء مهمتر آن می‌باشد.

حضرت عثمان رضی الله عنه درست فرموده است آنجا که می‌گوید: «إِنَّ اللَّهَ لِيَزَعُ بِالْسلطان ما لا يزَعُ بالقرآن». «همانان خداوند بوسیله حکومت از کارهایی جلوگیری می‌نماید که بوسیله قرآن جلوگیری نمی‌شوند». احکام مختلف و متنوع اسلام برای سعادت دنیوی و اخروی بشر نازل گردیده بنابراین هر عمل دنیوی یک جنبه اخروی نیز دارد. بطور مثال هر عمل عبادی، مدنی، جزایی، دستوری یا حکومتی در دنیا اثر و نتیجه‌اش این است که واجبی ادا یا حقی ثابت یا زائل می‌گردد و یا بر مجازات و مسئولیتش امضا می‌شود ولی بر همین عمل در روز قیامت اثر دیگری مرتب می‌شود و آن ثواب یا عقاب اخروی است و چون هدف شریعت اسلامی تأمین سعادت دنیوی و اخروی انسانها است. لذا تمام قوانین آن متصل به هم هستند و قابل تجزیه و تقسیم نمی‌باشند، زیرا با عمل به بعضی و ترک بعضی دیگر هدف اساسی اسلام تحقق پیدا نخواهد کرد و هر کسی آیات احکام را در قرآن تحت مطالعه و بررسی قرار دهد در می‌یابد که مجرمین به دو سزا یعنی یک سزای دنیوی و یک سزای اخروی محکوم می‌گردند، مثلاً خداوند در این مورد می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِّنْ خَلْفٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ﴾ [المائدة: ۳۳]. «همانا کیفر آنها که با خدا و پیامبر به جنگ بر می‌خیزند و در روی زمین دست به فساد می‌زنند این است که اعدام شوند، یا بدار آویخته گردند یا دست راست و پای چپ‌شان بریده شود یا از سرزمین خود تبعید گردند».

و همین گونه کسانی که اشاعه فحشا می‌کنند و بزنان پاکدامن تهمت ناروا می‌زنند و در دنیا و آخرت مجازات دارند. فرمان خداوند است که می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ ءَامَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾ [النور: ۱۹]. «همانا کسانی که دوست دارند تا در میان اهل ایمان کار منکر را اشاعه و شهرت دهند برای آنها در دنیا و آخرت عذاب دردناک خواهد بود». و نیز خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعْنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ [يَوْمَ تَشْهَدُ

عَلَيْهِمُ أَلَسِنْتُهُمْ وَأَيِّدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢٤﴾ يَوْمَئِذٍ يُوفِّيهِمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ ﴿٢٥﴾ [النور: ۲۳-۲۵]. «همانا کسانی که بزنان پاکدامن و بیخبر تهمت می‌زنند، در دنیا و آخرت معلون (محروم از رحمت خداوند) شدند و هم بعذاب عظیم معذب خواهند شده (وباید بترسند از) روزیکه زبان، دست و پایشان بر اعمال آنها گواهی می‌دهند و در آن روز خداوند جزای کامل آنها را خواهد پرداخت و آنها می‌دانند که خداوند حق آشکار است».

و قتل عمد نیز دو نوع مجازات دارد، در دنیا قصاص و در آخرت عذاب، خداوند می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ﴾ [البقرة: ۱۷۸]. «ای کسانی که ایمان آورده اید حکم قصاص در مورد کشته شدگان بر شما فرض شده است». و نیز خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا﴾ [النساء: ۹۳]. «و هر کسی که مؤمنی را بطور عمد به قتل برساند مجازات او دوزخ است که همیشه در آن می‌ماند». آری هیچگونه حکمی را نمی‌بینیم که شرع مقدس اسلام برای مجرمین سزای دنیوی و هم اخروی مقرر نکرده است و اگر هم چیزی را یافتیم آن هم در فرمان عمومی خداوند داخل می‌گردد که می‌فرماید: ﴿أَقِمْنَ كَانِ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ﴾ (۱۸) أَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَى نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٩﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهِءَ تُكَذِّبُونَ ﴿٢٠﴾ [السجدة: ۱۸-۲۰]. «آیا کسی که بخدا ایمان آورده مانند کسی است که فاسق بوده هرگز یکسان نخواهند بود، و اما آنانکه با ایمان و نیکوکار بودند (پیدایش اعمال صالح) منزلگاه پر نعمت در بهشت یابند و اما آنانکه فاسق شدند منزلگاهشان در آتش دوزخ است و هر چند کوشش کنند تا از دوزخ خارج شوند، باز بدان برگردانده می‌شوند و به آنها گفته می‌شود: عذاب آتشی را که شما تکذیب می‌کردید اینک بچشید».

و نیز می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ (۱۳) وَمَنْ يَعِصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ

نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿١٤﴾ [النساء: ۱۳-۱۴]. «و هر کسی که از خدا و رسولش اطاعت کند وی را در باغهایی از بهشت داخل می‌کند که جویهای آب از زیر (درختان) آن جاری است و جاودانه در آن می‌مانند و این پیروزی بزرگی است، و هر کسی که از خدا و پیامبرش نافرمانی کند و از مرزهای او تجاوز نماید او را در آتش وارد می‌کند که همیشه در آن خواهد ماند و برای او مجازات توهین آمیزی است».

و دستورات دنیوی و اخروی اسلام بیهوده وضع نشده است بلکه منطق اسلام چنین است. و اصولاً دنیا محل آزمایش و فناست و جهان آخرت محل پاداش و جاودانگی و انسان در دنیا مسئول کردار خویش بوده و در آخرت به جزای اعمالش می‌رسد اگر کار خوب یا بدی را مرتکب شود همه را برای خودش انجام داده و مجازات دنیوی بدون توبه و بازگشت بسوی خداوند مانع از عذاب اخروی او نمی‌گردد.

قوانین شرع اسلام با قوانین ساختگی انسانها هرگز قابل قیاس نیست زیرا (همچنانکه قبلاً اشاره شد) اسلام دین و دنیا را بهم مرتبط دانسته و برای هر دو جهان وضع گردیده است به همین دلیل هم هست که مسلمین در نهان و آشکار در خوشحالی و ناراحتی از دستورات آن پیروی می‌کنند، ایمان و اطاعت از این قوانین را بندگی حق و تقرب بسوی الله می‌پندارند و حتی در شرایط توانایی و امکانات مرتکب اعمال ناشایسته نمی‌گردند، زیرا از قهر الهی و عذاب اخروی می‌هراسند و این خود سبب می‌شود که جرائم تقلیل یابد و امنیت برقرار گردد و نظام تحکیم یابد. و برعکس قوانین بشری پایگاهی در نفوس انسان‌ها ندارد تا آنها را به اطاعت و پیروی وادار نماید و آنها بجز از ترس جریمه از آن پیروی نمی‌کنند و بنابراین اگر شرایط ارتکاب جرمی برای کسی فراهم آید و بداند نیرویی که او را مواخذه کند وجود ندارد از ارتکاب آن اجتناب نمی‌کند و هیچ‌گونه قانونی اخلاقی و دینی مانع او نمی‌گردد بنابراین در اینگونه نظامها اخلاق پسندیده تضعیف شده و بیش از پیش تعداد مجرمین مخصوصاً در طبقه قدرتمند افزون‌تر می‌گردد چون فساد اخلاقی در آنها بسیار است و می‌توانند مواخذه قانون فرار کنند.

قوانین اسلامی تجزیه ناپذیرند

نظام اسلامی را نمی‌توان تقسیم و تجزیه کرد (و هر جزیی را که دلمان خواست بپذیریم و باقی را رها کنیم) زیرا قبلاً ذکر شد که اینگونه تقسیمات مخالف با روح و هدف شریعت اسلامی است و نیز تمام نصوص اسلامی گویای این مطلبند که ایمان آوردن و عمل کردن به بعضی احکام و رها کردن بعضی دیگر، ممنوع و مردود است بلکه ایمان آوردن به تمام دستورات و عمل کردن به همه اوامر و احکام الهی واجب و ضروری است و اگر کسی به تمام احکام و دستورات اسلامی مؤمن نباشد و به همه عمل نکند در پوشش این فرمان الهی قرار می‌گیرد: ﴿أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيَمَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ﴾ [البقرة: ۸۵]. «آیا به بعضی از دستورات کتاب آسمانی ایمان می‌آورید و به بعضی دیگر کافر می‌شوید؟ برای کسیکه این عمل (تبعیض در میان احکام و قوانین خداوند) را انجام می‌دهد جز رسوایی در این جهان و بازگشت به شدیدترین عذابها در روز رستاخیز چیز دیگری وجود ندارد».

آیات و احادیث بسیاری در مورد منع عمل به بعضی از احکام اسلامی و ترک بعضی دیگر وارد شده است، خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّعْنُونَ ﴿١٥٩﴾ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنَّاهُ فَأُولَٰئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿١٦٠﴾﴾ [البقرة: ۱۵۹-۱۶۰]. «همانا کسانی که دلائل روشن و وسیله هدایتش را که ما نازل کرده‌ایم بعد از آنکه آن را در کتاب برای مردم بیان نمودیم کتمان می‌کنند، خدا آنها را لعنت می‌کند و هم لعن کنندگان نیز آنها را لعن می‌کنند، مگر آنها که توبه کردند و (اعمال بد خود را با اعمال نیک) اصلاح نمودند و آنچه را که کتمان کرده بودند آشکار ساختند، من توبه آنها را می‌پذیرم همانا من بخشنده و مهربان هستم». و مراد از کتمان عمل و اعتراف به بعضی از احکام و ترک و انکار نمودن بعضی دیگر است، چنانکه خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ

وَيَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٧٤﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ وَالْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَةِ فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ ﴿١٧٥﴾ [البقرة: ۱۷۴-۱۷۵]. «همانا کسانی که کتمان می‌کنند آنچه را که خداوند از کتاب نازل کرده و آن را به بهای کمی می‌فروشند آنها جز آتش چیزی نمی‌خورند (هدایا و اموالی که از این رهگذر بدست می‌آورند، در حقیقت آتش سوزانی است) و خداوند روز قیامت با آنها سخن نمی‌گوید و آنها را پاکیزه نمی‌کند، و برای آنها عذاب دردناکی است، اینها همانان هستند که گمراهی را با هدایت و عذاب را با مغفرت مبادله کرده‌اند. راستی چقدر در برابر عذاب خداوند بی‌اعتنا و خونسردند».

﴿فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَآخِشُوا أَلْتَّاسَ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ﴾ [المائدة: ۴۴]. «از مردم نهراسید و از من بترسید و آیات مرا به بهای ناچیز نفروشید و هر کسی که به دستورات نازل کرده خداوند عمل نکند کافر است».

و خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا﴾ [النساء: ۱۵۰]. «کسانی که به خدا و پیامبرانش کفر می‌ورزند و می‌خواهند میان خدا و پیامبران او جدای اندازند و می‌گویند: ما به بعضی ایمان داریم و بعضی را انکار می‌کنیم و می‌خواهند میان این [دو] راهی برای خود اختیار کنند». و نیز خداوند می‌فرماید:

﴿وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شَرْعَةً وَمِنْهَا جَا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿٤٨﴾ وَأِنْ أَحْكَم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَإِنْ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ ﴿٤٩﴾ أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُوفُونَ ﴿٥٠﴾﴾ [المائدة: ۴۸-۵۰].

«و [این] کتاب را به راستی [و] تصدیق کننده کتابی که پیش از آن است و بر آن حاکم است به تو نازل کردیم، پس در میان آنان به آنچه خداوند نازل کرده است، حکم کن و از خواسته‌های [نفسانی] آنان [به جای] آنچه از حقّ که به تو رسیده است، پیروی مکن. برای هر یک از شما شریعت و راهی قرار داده‌ایم. و اگر خداوند می‌خواست شما را یک امت قرار می‌داد ولی [می‌خواهد] تا شما را در آنچه به شما داده است بیازماید. پس [به سوی] نیکی‌ها بشتابید، بازگشت همه شما به سوی خداوند است، آن گاه شما را از [حقیقت] آنچه در آن اختلاف می‌ورزیدید، خبر می‌دهد. و [فرمان دادیم] که در میان آنان به آنچه خداوند نازل کرده است حکم کن و از خواسته‌های [نفسانی] آنان پیروی مکن و از آنان بر حذر باش که مبدا تو را از برخی از آنچه خداوند به تو نازل کرده است [به باطل] گرایش دهند، اگر روی برتابند، بدان که خداوند می‌خواهد آنان را به [سزای] برخی از گناهانشان عذاب کند. و بی گمان بسیاری از مردم نافرمانند. آیا حکم [روزگار] جاهلیّت را می‌خواهند؟ و برای گروهی که یقین دارند، چه کسی در داوری بهتر از خداوند است».

نظام اسلام نظامی الهی و جهانی است

این از امتیازات نظام اسلام است که خداوند متعال آن را برای تمام جهانیان نازل فرموده و اجرای دستورات آن را برای همه مردم از عرب گرفته تا عجم از شرقی تا غربی و دارنده هر مسلک و مرام، عادات و تقالید و تاریخ، لازم و ضروری قرار داده است. و نظام اسلامی برای همه خانواده‌ها و قبیله‌ها و جامعه‌ها و دولت‌ها است و نظامی است جهانی که تمام علمای قانون از ابداع و اختراع قوانینی چون قوانین اسلام عاجزند و به همین منظور خداوند به پیامبرش می‌فرماید که بگوید: ﴿قُلْ يٰٓاَيُّهَا النَّاسُ اِنِّیْ رَسُوْلُ اللّٰهِ اِلَیْكُمْ جَمِیْعًا﴾ [الأعراف: ۱۵۸]. «بگو: ای مردم من فرستاده خداوند بسوی همه شما هستم».

و نیز می‌فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾ [التوبة: ۳۳]. «او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا او را بر همه آیین‌ها غالب گرداند».

نظام اسلام نظامی است کامل و جاودانی

نظام اسلام نظامی تکامل یافته و جهان شمول است که از جانب خداوند متعال در مدت کوتاهی یعنی از آغاز بعثت رسول اکرم ﷺ تا روز وفات مبارکشان یا روز نزول این آیه کریمه نازل گشته است: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ [المائدة: ۳]. «امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تکمیل نمودم و اسلام را بعنوان دین و آیین برای شما پسندیدم».

آیه فوق تکمیل و دوام نظام اسلامی را تا ابد ثابت می‌کند و خصوصاً با تصریح قرآن کریم که حضرت ختمی مرتبت را آخرین پیام آور معرفی می‌فرماید: ﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَٰكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ﴾ [الأحزاب: ۴۰]. «محمد (ﷺ) پدر هیچیک از مردان شما نیست لکن او رسول خدا و خاتم پیامبران است».

اگر کسی احکام اسلامی را خوب بنگرد، دستورات آن را بی‌شک کامل و بدون نقص مشاهده خواهد کرد و خواهد دید که احکام و دستورات آن برای تمام افراد و جماعات و دولت‌ها است.

و نیز می‌بیند که اسلام احوال شخصی، معاملات، مسائل حکومت، اداره و سیاست و هر آنچه که مربوط به جامعه و روابط حکومت و دولتها را با هم در حال جنگ و صلح به بهترین وجه منظم و مقرر فرموده است.

آری، نظام اسلامی برای مدتی محدود، عصر و زمانی موقت وضع نشده است بلکه شریعت اسلامی آمده است برای همیشه و تا قیام قیامت در هر عصر و زمانی حکومت کند. نصوص و قواعد آن باندازه‌ای دقیق و محکم‌اند که هرگز گذشت زمان تازگی و طراوات آنها را کهنه نمی‌کند و قواعد و نظریاتش را متغیر نمی‌سازد و نیز نصوص آن

بصورتی کلی و عمومی وارد شده‌اند که در هر حالت جدید امکان اجرای را دارا می‌باشند بر خلاف قوانین ساختگی انسانها که دوام آنها بسیار محدود است.

مقایسه‌ای بین پیدایش قوانین اسلام و قوانین ساختگی

از مباحث فوق نشأت قوانین اسلامی فهمیده شد (اما باید نشأت و تکامل قوانین دست آورده بشر را نیز بدانیم) واضح است که قوانین بشری توسط کارفرمایان و مسئولان، احزاب و گروههای مختلفی نشأت یافته و بر اثر تکامل و پیشرفت علمی و رشد اندیشه تغییر می‌کنند و نظریاتش دقیق‌تر و مهم‌تر می‌گردد ناگفته نماند که قوانین بشری را مسئولان حکومتی طبق خواسته‌هایشان تبدیل و تغییر می‌دهند، علمی بودن و پیشرفت قوانین نیز تابع آنها است. طبق گفته‌ی حقوقدانان، از هنگامیکه مردم زندگی خانوادگی پیدا کردند تنظیم قانون آغاز گردید و پیدایش قبیله سبب پیشرفت‌تر گردیدن آن شد و بوجود آمدن حکومت پیشرفت بیشتری به آن بخشید، تا اینکه در قرن هیجدهم به اوج خود رسید و با نظریات فلسفی و اجتماعی آرایش پیدا کرد و اکنون بسیار پیشرفت کرده و بر اصول و نظریاتی رسیده که در قرون گذشته سابقه‌ای نداشته است.

طبیعت نظام اسلام با طبیعت قوانین ساختگی اختلاف دارد

بعد از شرح و توضیح چگونگی پیدایش نظام اسلام و قوانین ساختگی، ما حق داریم بگوییم که نظام اسلام به هیچ صورت مثل قوانین ساختگی نیست بلکه روح شریعت اسلامی کاملاً مخالف طبیعت قوانین ساختگی است. زیرا اگر شریعت اسلامی با قوانین ساختگی مشابهت می‌داشت،

اولاً: نظام آن باید مثل قوانین ساختگی تابع مردم بوده و با رشد آنان ترقی و پیشرفت می‌کرد و نه به آن شکل و صورتی که ما قبلاً ذکر کردیم.

ثانیاً: برای شریعت اسلامی امکان پذیر نبود اینچنین اصول و نظریات نمونه‌ای را وضع کند که قوانین ساختگی اخیراً و بعد از گذشت هزاران سال به آن پی برده است.

اختلافات اساسی بین نظام اسلام و قوانین ساختگی

نظام اسلام با قوانین ساختگی در سه مورد اختلاف اساسی و بنیادی دارد:

۱- نظام اسلام ساختهء خداوند است، اما قوانین دنیوی ساخته بشر، مسلم است که قوانین بشری همچون خود بشر ناقص و ضعیف و همیشه در حال تغییر و تبدیل است و هرگز بحد کمال نرسیده و نخواهد رسید، و قانون ممکن است درباره گذشته اظهار نظر کند ولی برآینده احاطه ندارد و اما قانون گذار در شریعت اسلامی خداوند است، و در نظام اسلام قدرت، کمال و عظمت خداوند آشکار می گردد، چون پدید آورنده آن است و بر گذشته و آینده احاطه کامل دارد، و بنابراین خداوند علیم و خبیر نظام اسلامی را بگونه ای طرح ریزی کرده که تمام اوضاع گذشته و آینده را شامل و در بر گرفته است.

۲- قوانین ساختگی بشر یک سری قواعد و مقرراتی هستند که حکومت ها برای تنظیم امور و برآوردن نیازهای خود مقرر می کنند بنابراین این گونه قوانین دستوراتی موقت و از جامعه متأخر بوده و همیشه برحسب پیشرفت و یا تغییر حالت جامعه تغییر می کند، اما دستورات شریعت اسلامی را خداوند برای همیشه جهت تنظیم امور جامعه (و فراهم نمودن خواسته های منطقی آن) وضع فرموده است.

قوانین الهی و هم قوانین ساختگی در این امر که برای بهبود و تنظیم، امور جامعه وضع گردیده اند متفق اند، اما نظام اسلامی این ویژگی را داراست که هرگز تغییر و تبدیل نمی یابد و این امر اقتضا می کند که اولاً: نصوص و قواعد شریعت اسلامی دارای عمومیت بوده و تمام نیازهای مختلف و متنوع جامعه در هر زمان جوابگو باشد.

ثانیاً: قوانین آن بگونه ای وضع گردد، که در هیچ زمانی با پیشرفت جامعه تضادی پیدا نکند.

آری، واقعیت این است که تمام قواعد و دستورات اسلامی طبق خواسته منطقی اسلام با بالاترین مدار عمومیت و تکامل وارد شده اند، که بهتر از آن قابل تصور نیست و بیش از سیزده قرن است که از دستورات اسلامی می گذرد و در ظرف این مدت تمام اوضاع و

احوال جوامع تغییر یافته است. آرای دانشمندان و علم تجربی بسیار ترقی کرده پیشرفت صنعت و اختراعات بجایی رسیده که انسان اصلاً فکر آن را نمی‌کرد و برحسب این امور قواعد نظام ساختگی انسانها بارها دستخوش تغییر و تبدیل شده تا با احوال و اوضاع جدید سازگار باشد اما علیرغم این همه تبدیل و دگرگونی تمام نصوص و دستورات نظام شریعت بجای خود ثابت و حفظ گردیده و برتری اصول و دستورات خود را بر تقدم پیشرفت جامعه باثبات رسانده است و به مراتب خیلی بهتر قادر است، جماعت‌ها را منظم و احتیاجات آن را تأمین، امنیت و آرامش آنها را بیمه و تضمین نماید. (زیرا بر اساس فطرت انسانها وضع شده) و با طبیعت آنها سازگاری کامل دارد و تاریخ بر این شهادت می‌دهد و از دستورات اسلامی جانبداری می‌کند و همچنین قرآن کریم بهترین گواه بر این است که می‌فرماید: ﴿وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ﴾ [آل عمران: ۱۵۹]. «در کارها با آنها مشورت کن». و نیز می‌فرماید: ﴿وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ﴾ [الشوری: ۳۸]. «و کارشان را بمشورت یکدیگر انجام می‌دهند». و ارشاد خداوند است: ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾ [المائدة: ۲]. «در راه نیکی و پرهیزکاری با هم همکاری کنید و در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید». و رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «لَا ضَرَرَ، وَلَا ضَرَارَ فِي الْإِسْلَامِ». «در اسلام ضرر رسانیدن بخود و هم بدیگران جائز نیست». این همه آیات قرآنی و احادیث پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله صریحاً در مورد عمومیت احکام اسلامی دلالت می‌کند و نیز شوری را برای رفع اعمال مضر و زشت و ایجاد انگیزه‌ی تعاون و پرهیزکاری بر جامعه حاکم می‌گرداند و از اینجا است که برتری نظام اسلام بر نظام ساختگی بشر آشکار می‌گردد.

ثالثاً: هدف نظام اسلامی تنظیم و توجیه جامعه و ساختن افراد نیکو و صالح و ایجاد حکومت و دولتی نمونه و جهانی بی‌نظیر است.

بنابراین، می‌بینیم که دستورات قرآنی از هنگام نزول گرفته تا امروز مافوق معیار عالم و بی‌نظیر بوده و در آن اصول و نظریاتی مطرح شده که قبلاً جهان غیر اسلامی بسوی

وصول و معرفت آن آمادگی نداشت و بعد از گذشت قرن‌ها متوجه آن شد خداوند بزرگ نظام اسلامی را وضع کرد و آن را الگوی کمال قرار داد تا مردم بسوی بندگی او و اخلاق فاضله رهنمون گردند و به کامل‌ترین نظام دست یابند، اما قوانین ساختگی فقط برای تنظیم جماعات وضع می‌شود نه برای توجیه و راهنمایی آنها از اینجا است که اینگونه قوانین از جماعت‌ها متأخر بوده و تابع پیشرفت آن قرار می‌گیرند بتازگی بعضی از قوانین ساختگی تغییر جهت داده و برای تنظیم و توجیه برخی جامعه‌ها بکار می‌رود چنانکه دولتهایی شعارهای جدیدی سر داده‌اند و برای توجیه ملت‌ها و اجرای اغراض شخصی خویش از لفظ قانون استفاده می‌کنند، همچون شوروی، ترکیه، آلمان، ایتالیا و غیره، و تازه قانون بجایی رسیده که شریعت اسلامی بیش از سیزده قرن پیش از آنجا شروع کرده بود.

امتیازات اساسی قانون اسلام بر قوانین ساختگی

از بحث‌های گذشته معلوم می‌شود که نظام اسلامی از سه نظر بر سایر قوانین ساختگی برتری دارد:

۱- کمال: نظام اسلام بگونه‌ای است که شامل تمام اصول و نظریات یک نظام سالم بوده و جوابگوی تمام نیازهای جوامع مختلف در هر عصر و زمان از دور حاضر گرفته تا آینده دور می‌باشد.

۲- برتری: دستورات اسلامی آنقدر برتر و تکامل یافته‌اند که اصول و نظریات آن با توجه به پیشرفت انسان‌ها و ویژگی پیشرفت و تقدم خود را حفظ می‌کند.

۳- جاودانگی: برتری دیگری که قوانین اسلامی بر قوانین ساختگی دارد این است که بر عکس قوانین ساختگی با گذشت زمان تغییر و تبدیلی بخود راه نداده و برای هر زمان و مکان قابل اجراء است.

روش اسلام در وضع قوانین

اسلام آمده تا در تمام مراحل زندگی بر مردم حکمفرما بوده و مردم را مؤظف کند تا همیشه در تمام امور دینی و دنیوی پایبند دستورات مقدس آن باشند و شریعت اسلامی تمام قوانین جزئی و فرعی را بصورت تفصیلی مانند قوانین ساختگی بیان نفرموده بلکه در اغلب حالات بنحوی عام و کلی ایراد نموده است و اگر احیاناً حکمی فرعی بیان شده، آنهم حکمی کلی تلقی می‌گردد، زیرا آن نیز خود فروعات دیگری را شامل می‌شود. و تمام احکام وضع شده اسلامی احکام عمومی محسوب گشته و هر حاکمی موظف است تا طبق قواعد کلی اسلام فروعات آن را به تفصیل برای مردم بیان کند، پس روش قانون گذاری اسلام روشی نمونه است که سبب امتیاز بخشیدن نظام اسلامی بر سایر نظامها می‌شود.

لزوم دو ویژگی کمال و برتری در نظام، اصول و نظریاتی است که خواسته‌های انسانی و اجتماعی مردم را که سبب سعادت و گسترش عدالت و مساوات و رحمت و هدایت آنها می‌گردد تضمین کند و ویژگی دوام و جاودانگی نظام اسلامی، تقاضا دارد که قانون آن آنی و موقتی نباشد، تا برحسب اوضاع روزگار تغییر روش دهد.

حق اُولی الامر در قانون گذاری

اگرچه اسلام اُولی الامر را اختیارات قانون گذاری داده است اما این اختیارات بطور مطلق و بدون قید و شرط به آنان تفویض نگشته است بلکه آنان را مقید نموده تا در چهارچوب نصوص عمومی شریعت اسلامی بدو صورت قانون را وضع نمایند:

الف: قوانین اجرایی که هدف اساسی از آن تنفیذ و اجرای قوانین و دستورات اسلامی است و مراد از قوانین مقررات و دستورات و لوایحی است که امروز وزراء دولت طبق اختیارات تفویض شده مجری آن می‌باشند.

ب: قوانین تنظیمی، که هدف از آن طبق اصول و ضوابط مقدس اسلام تنظیم و مرتب کردن جامعه اسلامی و حمایت و برآوردن احتیاجات آن است و در این مورد حکم بخصوصی وارد نشده است لیکن وظیفه قانون گذار است که قانون را حسب اصول عامه و روح قانون گذاری اسلام وضع نماید.

حکم تجاوز اولی الامر از اختیارات خودشان

تمام علمای اسلام دستور صادره از جانب اولی الامر را که برابر قوانین اسلام و در حدود اختیارات او باشد، صحیح دانسته اطاعت و پیروی از آن را بر عموم مسلمین واجب و ضروری می دانند.

برعکس اگر ولی امر حکمی برخلاف قوانین الهی صادر کند حکم او باطل و پیروی از آن حرام است چنانکه خداوند می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ﴾ [النساء: ۵۹]. «ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا و پیامبر و صاحبان امر اطاعت کنید و هرگاه در چیزی نزاع کردید آن را به خدا و پیامبر ارجاع دهید».

و نیز خداوند می فرماید: ﴿وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ﴾ [الشوری: ۱۰]. «و در آنچه که شما اختلاف و نزاع کردید حکم آن بسوی خداوند است». از آیات فوق معلوم میشود که اطاعت و پیروی از احکام خداوند و پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و اولی الامر بر تمام مسلمین واجب است و نیز اطاعت و پیروی از دستورات پیامبر صلی الله علیه و آله و اولی الامر برای این لازم است که خداوند اطاعت آنها را بر مسلمین واجب قرار داده است و به همین سبب اگر ولی امر، خلاف دستورات و موازین اسلامی حکمی بدهد پیروی از آن جائز نیست، زیرا که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: «لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ» «اطاعت و پیروی از مخلوق در راه معصیت و نافرمانی خالق روا نیست».

و نیز می‌فرمایند: «إِنَّمَا الطَّاعَةُ فِي مَعْرُوفٍ» «همانا اطاعت (از مسئولین) در کارهای نیک و معروف ضروری است». و نیز در حق اُولی الامر می‌فرماید: «فَمَنْ أَمَرَكَ مِنْهُمْ بِمَعْصِيَةٍ فَلَا سَمْعَ وَلَا طَاعَةَ».

«و اگر از مسئولین کسی شما را به گناهی امر کند، به فرمان او گوش نکنید و از او اطاعت ننمایید».

آیا مسئولین کشورهای اسلامی از محدوده اختیارات خویش تجاوز نکرده‌اند؟ مسئولان کشورهای اسلامی از قرن گذشته پاره‌ای از قوانین و دستورات اروپایی را در کشورهای اسلامی از قبیل قوانین جزایی، مدنی، تجاری و غیره وارد کرده‌اند و فقط موارد بسیار کمی مانند قانون وقف و شفعه را بجای خود گذاشته‌اند. حقیقت این است که اکثر مواد این قوانین با روح عمومی شریعت اسلامی موافقت داشتند، لیکن برخی از آنها خلاف اصول اسلام نیز هستند. مثلاً در قوانین اروپایی در بعضی حالات زنا و شراب خوردن جایز است، در حالیکه اسلام این را مطلقاً حرام می‌داند.

علت جایگزینی قوانین اروپایی در کشورهای اسلامی

گروهی از مردم گمان می‌برند که علت جایگزینی قوانین اروپایی در کشورهای اسلامی از آن جهت است، که نظام اسلام جوابگوی تمام خواسته‌های مردم نشده است حال آنکه این گمان بی‌اساس و مبنی بر جهالت آنها به قوانین اسلامی است، زیرا که فقه اسلامی حاوی مبادی و نظریات و احکامی است که اگر آنها را جمع کنیم بهترین و بزرگترین کتاب در قوانین جهان بشمار می‌آید.

من معتقدم اگر قوانین اسلامی درست مرتب شوند کشورهای غیر اسلامی هر چه زودتر از آن پیروی می‌کنند و نظامهای خود را رها خواهند کرد.

و اما علت اساسی جایگزینی قوانین اروپایی در کشورهای اسلامی استعمار و نفوذ

استعمارگران و نشستن و بی‌تفاوتی علمای اسلام است زیرا که در بعضی از کشورهای اسلامی قوانین اروپایی توسط استعمارگران و زروگویان جایگزین شده است، همچون کشور هندوستان و شمال آفریقا و در بعضی دیگر از کشورهای اسلامی بعثت ضعف و ناتوانی و خود فروختگی مسئولان کشوری همچون کشور مصر و ترکیه

تاریخ گواه است که در زمان حکومت خدیوی اسماعیل قوانین اروپایی به مصر آورده شدند و اما خدیوی اسماعیل بسیار دوست داشت که نظام اسلامی را در کشور مصر بدون کم و کاست اجرا کند و بلادرنگ از علمای دانشگاه الأزهر خواست هر چه زودتر شورای قانون گذاری تشکیل دهند و نظام اسلامی را ترتیب و تدوین نموده برای اجراء آن را تقدیم دولت نمایند و اما متأسفانه علمای دانشگاه ازهر به این دعوت لبیک نگفتند و قوانین مقدس اسلامی را فدای تعصب‌های مذهبی و گروهی خود نمودند و مانع اجرای آن شدند و هر یکی تعصب خشک مذهبی خود را محفوظ نگهداشت و این فرصت بسیار مهم را که بنفع اسلام و مسلمین جهان بود از دست دادند و سپس پشیمان شدند و مدتها برای این نعمت از دست رفته گریه کردند و سزاوار است تمام مسلمین جهان برای این نعمت از دست داده تا زمان برگشت آن گریه کنند، من دوست دارم این نکته را متذکر شوم که بعضی از کشورهای اسلامی که پاره‌ای از قوانین اروپایی را برگزیده‌اند، مطلقاً اراده مخالفت دستورات اسلامی را نداشته‌اند و قانون جزایی مصر که در سال ۱۸۸۳ میلادی به تصویب رسید گواه بر مدعی ماست زیرا که در ماده اول آن آمده است. «از مسئولیتهای دولت است مجرمانی را که باعث ناراحتی عموم مردم یا دولت می‌گردند مؤاخذه نماید» و این قانون بدون کم و کاست تمام انواع مؤاخذه‌هایی را که حق مسئولین کشوری است طبق دستورات اسلامی مقرر کرده است و این ماده از قانون دولت ترکیه صادره در ۱۸۵۳/۶/۵ میلادی گرفته شده است و من نیز معتقدم مسئولان اکثر کشورهای اسلامی تعمداً از قوانین اسلامی سرپیچی نکرده‌اند بلکه ناآگاهانه دچار مخالفت شده‌اند و ممکن است راز مسئله این باشد که قانون گذاران کشورهای

اسلامی یا اروپایی بوده‌اند و از نظام اسلام هیچگونه اطلاع و آگاهی نداشته‌اند و یا اینکه مسلمان بوده‌اند و در کشورهای اروپایی درس خوانده‌اند و از اسلام و نظام اسلامی آگاهی نداشته‌اند.

تأثیر عملی قوانین بر شریعت اسلامی

پس از جایگزینی قوانین اروپایی در کشورهای اسلامی همه جا برای اجرای این قوانین دادگاههای ویژه‌ای تشکیل یافت، و قاضیان اروپایی بودند و برای اجرای مواد آن مأمور گشتند و این دادگاهها در همه امور بشر قضاوت می‌کردند، بنابراین نظام اسلامی از صحنه عمل بیرون شد، زیرا که مسئولین دادگاهها فقط قوانین ساختگی وارده از اروپا را اجرا می‌کردند.

و همچنین وزارت آموزش و پرورش برای تدریس این قوانین، مدارس خاصی را تأسیس نمود و نظام اسلامی را در تمام مسائل زندگی غیر از مواردی بسیار نادر همچون وقف نادیده گرفت و تدریس نکرد.

این طرح اسف بار باعث شد که تقریباً تمام قانون دانان جدید از نظام اسلامی بی‌خبر و ناآگاه شوند و با کمال تأسف از نظامی که دولت‌های اسلامی معتقد آن بودند بی‌اطلاع و ناآگاه ماندند و به همین علت بود که نصوص شریعت اسلامی را طبق قوانین ساختگی و خلاف دستورات اصیل اسلامی تفسیر نمودند.

بطور مثال مشاهده می‌کنیم که قانون مجازات مصری صریحاً و آشکار می‌گوید: «قانون مجازات در همه احوال و برای همه مردم باید طبق نظام اسلام صورت گیرد» اما علیرغم این نص صریح چون مفسرین قانون مصری دستورات اسلامی را نخوانده بودند و فقط قانون فرانسه را خوانده بودند مجبور شدند تا در وضع و توجیه و تفسیر این قوانین از روش مفسرین قوانین فرانسوی تقلید و پیروی نمایند، خلاصه اینکه آنها شریعت و نظام اسلامی را نخوانده و مطالب آن را درک نکرده بودند، و ثانیاً آنان از آراء و افکار اروپاییان و خصوصاً فرانسویان تقلید کردند و در مورد آنچه که آنان حلال یا

حرام می‌پنداشتند هم صدا شدند در حالیکه مفسران اروپایی از طبیعت نظام اسلامی هیچگونه اطلاع و آگاهی نداشته بودند.

تأثیر نظری قوانین ساختگی بر شریعت اسلامی

اگرچه اجرای قوانین ساختگی عملاً باعث تعطیل قوانین اسلامی شده است اما از ناحیه نظری هیچگونه تأثیری بر نظام اسلامی نداشته و ندارند، زیرا که تمام نصوص اسلامی موجود و محفوظند طبق خواست شریعت اسلامی و قوانین ساختگی اجرای دستورات آن در تمام مسائل زندگی واجب و لازم است، زیرا که قاعده اساسی در شریعت اسلامی و قوانین ساختگی این است که، هیچ نظام و قانونی منسوخ نمی‌گردد مگر آنکه لغو دستورات آن از جانب نظام نیرومندتری صادر گردد، در حالیکه نظام اسلام از قرآن و سنت پیامبر اسلام سرچشمه می‌گیرد، قرآن تکمیل شده و پیامبر ﷺ وفات کرده، بنابراین راهی برای لغو (نسخ) قوانین اسلامی وجود ندارد.

ممکن است بگویید که: أولى الأمر می‌تواند قوانین اسلامی را تغییر دهد اما این هم ممکن نیست زیرا که آنان واضع قانون اسلامی نیستند بلکه مجری آنند و قانون اسلامی از سوی خداوند و پیامبر اسلام ﷺ وضع می‌شود بنابراین پس از رحلت پیامبر اسلام و منقطع شدن وحی، نظام اسلام برای همیشه تکمیل گشته است.

حکم تعارض قوانین با شریعت اسلامی

هنگامیکه قوانین ساختگی با قوانین اسلامی تعارض پیدا کند به سه علت واجب و ضروری است که قوانین اسلامی را ترجیح داد. اولاً: برای اینکه نظام اسلامی برای همیشه و غیر قابل تبدیل و تغییر است و اما قوانین ساختگی تغییر می‌پذیرند.

ثانیاً: اقتضای ذاتی نظام اسلام است و هر نظامی را که با مبادی و اصول آن مخالف باشد آن نظام را باطل و پیروی از آن را حرام می‌داند، بنابراین قانونی که خلاف اسلام

باشد مطلقاً باطل و مردود است.

ثالثاً: قانونی که مخالف اسلام باشد، از وظیفه خود خارج می‌گردد و هنگامیکه از قانونی بودن خارج شد محل و جای دیگری برای وجودش باقی نمی‌ماند. و این نیز ویژگی قوانین ساختگی هم هست.

قوانین ساختگی چگونه با مخالفت شریعت اسلامی از وظیفه خویش ساقط می‌گردد؟

قوانین ساختگی برای تنظیم امور جامعه و برآوردن احتیاجات و نیازها و گسترش دادن اطمینان، صلح و صفا در میان مردم وضع شده است.

اهم و اساسی‌ترین نیاز مردم مسلمان در کشورهای اسلامی حفظ عقاید و احساسات اسلامی و مذهبی آنان است بنابراین نظام مردم مسلمان باید طبق دستورات اسلام صورت پذیرد و ضروری است تمام قوانین ساختگی بانظام اسلامی موافقت داشته باشند، اما ما می‌بینیم که قوانین ساختگی خلاف نظام اسلام وضع شده‌اند بنابراین از محدوده قانونی بودن خارج می‌شود، چون در این صورت از وظیفه و اهداف اصلی خویش پافراتر نهاده است. اگر ما حقیقت اسلام و نظام اسلامی را درک کنیم به آسانی خواهیم یافت قوانینی که در اروپا برای سعادت و گسترش اطمینان، صلح و صفا، مردم وضع شده اجرای آن در کشورهای اسلامی بزرگترین مصیبت و اهانت برای مردم مسلمان بشمار می‌آید و این مهمترین عاملی است که باعث نارضایتی اکثریت مردم مسلمان می‌شود و موجب فتنه و فساد و هرج و مرج می‌گردد.

۱- اسلام روا نمی‌دارد که مسلمانی غیر از نظام اسلام قانون دیگری را بپذیرد و هر قانونی که مخالف نصوص و اصول و روح قانون گذاری اسلام باشد، پیروی از آن مطلقاً حرام است زیرا که طبق فرمان خداوند ﷻ دو راه بیش‌تر وجود ندارد یا پیروی از قانون خداوند و پیامبر اسلام و یا پیروی از خواهشات نفسانی، زیرا هر عملی که بدون دستورات خداوند صورت گیرد، پیروی و اطاعت از خواهشات نفسانی بشمار می‌آید،

خداوند در این زمینه می‌فرماید: ﴿فَإِنْ لَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ﴾ [القصص: ۵۰]. «پس هرگاه به دعوت تو لبیک نگفتند در این صورت بدانکه این مردم تنها پیرو هوای نفس خویش‌اند، کیست گمراه‌تر، از آن کسی که راه هدایت خدا را رها کرده و از هوای نفس خویش پیروی کند». و نیز می‌فرماید: ﴿ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨﴾ إِنَّهُمْ لَن يُغْنُوا عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ ﴿١٩﴾﴾ [الجاثية: ۱۸-۱۹]. «پس ما تو را بر شریعت کامل در امور دین مقرر فرمودیم تو از آن پیروی کن و پیروی هوای نفس مردم نادان مباش و آنها هیچ تو را از اراده خدا بی‌نیاز نمی‌کنند و ستمکاران دوست و مددکار یکدیگرند و خداوند دوست دار متقیان است». و خداوند می‌فرماید: ﴿اتَّبِعُوا مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ ﴿٣﴾﴾ [الأعراف: ۳]. «از چیزی که از طرف پروردگارتان بر شما نازل شده پیروی کنید و از سرپرستان و معبودهای دیگر بجز او پیروی نکنید اما کمتر متذکر می‌شوید».

۲- در اسلام جایز نیست که یک نفر مسلمان و مؤمن بجز از حکم خداوند راضی باشد و برای حل اختلافات به قوانین غیر الهی مراجعه کند بلکه اسلام هر مسلمانی را موظف ساخته است تا دستورات غیر خداوندی را انکار کند، زیرا که پیروی از قوانین غیر خداوند گمراهی و اتباع شیطان است، چنانکه خداوند می‌فرماید: ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ ءَامَنُوا بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِن قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَن يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا ﴿٦٠﴾﴾ [النساء: ۶۰]. «آیا ندیدی کسانی را که گمان می‌کنند به آنچه که بر تو و بر پیشینان نازل شده است ایمان آورده‌اند ولی می‌خواهند طاغوت را به داوری بطلبند و حال آنکه به آنها دستور داده شده به طاغوت کافر شوند و شیطان می‌خواهد آنها را شدیداً گمراه کند». و هر کسی که بجز از قانون خدا و پیامبر اسلام برای قضاوت مراجعت کند بسوی طاغوت مراجعه کرده است، زیرا هر آنچه را که انسان بغیر از خدا اطاعت و پیروی و عبادت کند طاغوت نامیده می‌شود پس طاغوت هر

قوم و ملتی همان چیز و نظام غیر خداوندی است که برای حل مشکلات و اختلافات به طرف آن مراجعه می‌کند و بدون دلیل و برهان عبادت و پیروی و تقلید کورکورانه می‌کند، و اما کسی که به خدا ایمان آورده بر او واجب است تمام احکام و مرامهای دیگران را انکار کند و فقط از قانون خداوند اطاعت و پیروی نماید.

۳- زیرا که خداوند برای هیچ زن و مرد مؤمن اجازه نداده است که بغیر از دستورات خداوند راضی باشد، خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ﴾ [الأحزاب: ۳۶]. «هیچ مرد و زن مؤمنی حق ندارد در کاری که خدا و پیامبر اسلام حکم کرده است نظر خلافی داشته باشد».

۴- خداوند دستور داده است هر حکمی که طبق قانون او صورت نپذیرد و هر کسی که به دستور خداوند عمل نکند کافر و ظالم و منافق است، خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ﴾ [المائدة: ۴۴].

﴿وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ [المائدة: ۴۵].

﴿وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ [المائدة: ۴۷].

«هر کس که به دستور خداوند عمل نکند کافر و ظالم و فاسق است». و تمام مفسرین و فقهای اسلام بر این امر اتفاق دارند، اگر مسلمانی خلاف دستورات خداوند از جانب خویش احکامی اختراع کند و تمام دستورات یا بعضی از دستورات الهی را بدون تأویل ترک نماید حسب حالش زیر پوشش فرمان یکی از احکام زیر قرار می‌گیرد.

الف، اگر کسی چیزهای ثابت شده را انکار کند مانند حد سرقت یا حد قذف یا حد زنا، آن شخص مطلقاً کافر است زیرا که نظام ساختگی را بر نظام اسلامی ترجیح داده است.

ب، و اما اگر کسی حکم خدا را قبول کند و بنابر علتی عمل نکند آن شخص ظالم است.

ج، و اگر کسی حق دیگری را پایمال کند، عدالت و مساوات را رعایت نکند آن شخص فاسق است.

۵- خداوند اعلام می‌فرماید: تا هنگامیکه مردم در حل اختلافات خود به پیامبر اسلام مراجعه نکنند و از قضاوت او قلباً راضی و مطیع نباشند مسلمان نیستند، خداوند می‌فرماید: ﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [النساء: ۶۵]. «به پروردگارت سوگند، که آنها مؤمن نخواهند شد، مگر آنکه تو را در اختلافات خویش برای داوری طلب کنند و سپس در دل خود از داوری تو احساس ناراحتی نکنند و کاملاً تسلیم باشند».

۶- هر عملی که خلاف قوانین اسلام باشد، ارتکاب آن برای مسلمین مطلقاً حرام است، اگر چه دولت وقت نیز چنین فرمان ناروایی را صادر کند زیرا که دولت از نظر اسلام در قانون گذاری وظیفه دارد تمام قوانین را طبق دستورات مقدس اسلام وضع کند و اما اگر به نفع خود قانونی را خلاف اسلام وضع نماید، این عمل او مردود است، اطاعت و پیروی از فرمان چنین دولتی برای مسلمین حرام است، بلکه بر عکس بر هر مسلمان واجب است علیه چنین نظامی قیام کند و مردم را نیز از پیروی آن باز دارد، زیرا اطاعت از مسئولین دولت اسلامی تا هنگامی واجب است که آنان از محدوده اختیاراتی که خدا و پیامبر اسلام به آنان داده‌است تجاوز نکنند، چنانکه خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ﴾ [النساء: ۵۹]. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا و پیامبر و صاحبان امر، اطاعت کنید و هر گاه در چیزی اختلاف کردید آن را به خدا و پیامبر ارجاع دهید».

و نیز از فرمایشات پیامبر اسلام ﷺ محدوده اطاعت از مسئولان دولت اسلامی آشکار شده است، پیامبر بزرگوار می‌فرماید: «لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ» «اطاعت و پیروی از مخلوق در راه معصیت و نافرمانی خالق روا نیست». و نیز می‌فرماید: «إِنَّمَا الطَّاعَةُ

فِي مَعْرُوفٍ» «همانا اطاعت از مسئولین در کارهای نیک و معروف ضروری است» و نیز در مورد مسئولان دولتهای اسلامی می‌فرماید: «مَنْ أَمَرَکُمْ مِنْهُمْ بِمَعْصِيَةٍ فَلَا سَمْعَ وَلَا طَاعَةَ». «اگر از مسئولان دولت اسلامی کسی شما را به کار گناهی امر کند به فرمان او گوش نکنید و از او اطاعت ننمایید».

و تمام صحابه بزرگوار پیامبر اسلام ﷺ و فقهاء و مجتهدین امت اسلامی متفق‌اند که اطاعت و پیروی از مسئولین کشور اسلامی تا هنگامی واجب و فرض است که خلاف دستورات اسلامی حکمی صادر نکنند. و اما اگر خلاف شریعت اسلام دستوری صادر کند از آن اطاعت لازم نیست زیرا که حلال کردن حرام، همچون زنا و شراب خواری و ابطال حدود و تعطیل قوانین اسلامی کفر آشکار و خروج از اسلام است و بر تمام مسلمین واجب است تا علیه مسئول مسلمانی که از اسلام خارج و مرتد شده است قیام کنند و کمترین قیام علیه او این است که به اوامر و نواهی او عصیان ورزند.

۷- احکام شریعت اسلامی تجزیه و دگرگونی نمی‌پذیرد بنابراین برای هیچ مسلمانی جائز نیست تا فقط به اجرای جزئی از قوانین اسلام از دولت‌ها راضی شود و قبلاً در این مورد با ذکر دلیل صحبت کردم این‌ها برخی از حقائق اسلام بود که از آیات و روایات استخراج گشت، و این نیز وضع مسلمانی که مدعی شناخت و ایمان آوردن به اسلام است و این هم آن چیزهایی است که بر هر مسلمان واجب و لازم است به آن عمل کند و این همان قوانین ساختگی است که در اصل برای حمایت افکار و عقائد مردم وضع شده است اینک با حقائق شریعت اسلام مبارزه و جنبه خصمانه اختیار کرده است و مردم مسلمان را با تحمیل اوضاع غیر اسلامی در تنگنا قرار داده‌است.

خلاصه از بحث‌های گذشته می‌توانیم نتیجه‌گیری کنیم که اجرای قوانین ساختگی در کشورهای اسلامی تخطیی از روح قوانین است و باعث برانگیختن شعور و احساسات وجدانی و ایمانی توده‌های مردم مسلمان گشته و منتهی به فتنه و فساد، نارضایتی، تظاهرات و هرج و مرج می‌شود.

اندازه آگاهی مسلمانان به نظام اسلامی

اطلاع و آگاهی مسلمانان از نظام اسلام بعثت روشها و فرهنگهای گوناگون و مختلف، متفاوت است و به سه گروه تقسیم می‌شوند.

گروه اول مردم عوام، گروه دوم دانش آموختگان اروپایی، گروه سوم دانش آموختگان علوم اسلامی و ما از هر سه گروه سخن می‌گوییم.

۱- گروه مردم عوام:

مراد از مردم عوام کسانی هستند که هیچ‌گونه سوادى ندارند یا سطح معلوماتشان کم است و از درک صحیح آنچه بر آنها عرضه می‌شود ناتوان‌اند. و این گروه بجز از معلومات سطحی در عبادات کاملاً از نظام شریعت اسلامی جاهل و ناآگاه هستند و اکثریت آنها عبادات را فقط بخاطر پیروی از نیاکان و رهبران مذهبی خود برگزار می‌کنند و بسیار نادرنند کسانی که عبادات را بر اثر تحقیق و معلومات شخصی خود برگزار می‌کنند و اکثر قاطع مسلمین جهان جزء همین گروه‌اند، که تعداد آنها از ۸۰٪ از مجموع مسلمانان جهان تجاوز می‌کند و این دسته بیشتر تحت تأثیر دانش آموختگان اروپایی و اسلامی قرار می‌گیرند و آنچه را که بدانند جزء اسلام است، از دانش آموختگان اسلامی می‌پذیرد و اما آنچه که از قدرت درک و فهم او خارج است به توجیهات تحصیل کرده‌های اروپایی رجوع می‌کند و علمای اسلام به آسانی می‌توانند بر این گروه تسلط کامل داشته باشند و آنها را بسوی راه راست هدایت کنند و توده مردم مسلمان را بفهمانند که تمام امور زندگی آنها وابسته به اسلام است و ایمان آنها هرگز کامل نمی‌شود مگر آنکه تمام امور دنیوی را طبق نظام شریعت اسلامی انجام دهند، ولی علمای اسلام در اکثر کشورهای اسلامی این روش را رها نموده و این ملت بزرگ اسلامی را در جهالت تام وا گذاشته است و ملت اسلامی با وجود اینکه از جاده اسلام منحرف و در ضلالت و گمراهی بسر

می‌برد، فکر می‌کند که بر دین حنیف اسلام استوار و پایبند است و از همه گمراه کننده‌تر سکوت و نشستن علمای اسلام از دعوت صحیح اسلام است.

۲- گروه دانش آموختگان اروپایی:

اکثر تحصیل کرده‌های متوسط، کشورهای اسلامی و بسیاری از تحصیل کرده‌های عالی رتبه از قبیل قضات وکلای مدافع، پزشکان، مهندسان، ادبا و مسئولان وزارت آموزش و پرورش و ادارات و سیاستمداران جزء همین گروه‌اند. و این گروه تمام تحصیلات خود را به سبک اروپاییان با تمام رسانیده است بنابراین از تعلیمات اسلامی از یک فرد بیسواد بیشتر نمی‌داند و اکثریت آنان از نظام اسلام بی‌خبر و از عبادات یونانیان، رومیان و نظام اروپا اطلاع بیشتری دارند و فقط عده انگشت شماری وجود دارد که در فروعات اسلامی و مسائل خاصی اطلاع محدودی دارد و اما کسی که اصول اسلامی را درست درک کند در این گروه بسیار کم است و همین دانش آموختگان اروپایی که تا این حد از نظام اسلامی جاهل و ناآگاه‌اند بر سر ملت اسلامی حکومت می‌کنند و بسوی شرق و غرب آنها را سوق می‌دهند و اینها هستند که در مجامع بین المللی نمایندگان اسلام بشمار می‌آیند. و انصافاً باید بگوییم: اگر چه اکثر آنان از نظام اسلام بی‌خبراند، ولی متدین‌اند و ایمان عمیقی دارند و عبادات را حسب معلومات خویش انجام می‌دهند و برای کسب آگاهی از نظام اسلام آمادگی خوبی دارند، ولی بعلت عدم اطلاع آنها به کتب و مراجع اسلامی نمی‌توانند از آنها استفاده نمایند زیرا هر کس نمی‌تواند به کتب اسلامی مراجعه کند چون کتب اسلامی به روش قدیمی که نویسندگان گذشته هزار سال پیش بدون تنظیم و ترتیب تألیف کرده‌اند نوشته شده‌اند و برای دریافت کننده مسئله بجز اینکه چندین باب را مطالعه کند دریافت آن ممکن نیست و در بعضی اوقات جوینده از دریافت مسئله مأیوس می‌گردد و بصورت تصادفی در جای دیگری که هیچ انتظاری نداشته مسئله را پیدا می‌کند. و گاهی کتاب‌های اسلامی را می‌خواند و چون از اصطلاحات مذاهب فقهی اطلاع ندارد به هدف خود نمی‌رسد. و من بسیاری را

می‌شناسم که برای دریافت نظام اسلام بطورجدی کوشیده‌اند اما از درک آن عاجز مانده‌اند و سعی آنها در مطالعه متون و شرحها و حاشیه‌ها به هدر رفته است و اما اگر کتابی را که به روش جدید نوشته شده بود دریافت می‌کردند، می‌توانستند نظام اسلامی را بررسی کنند و از آن استفاده نمایند. و این گروه دانش آموختگان اروپایی ادعاهای عجیب و غریب بلکه خنده آوری از اسلام دارد گروهی می‌گویند: اسلام هیچ رابطه‌ای با سیاست و حکومت ندارد. و گروهی نظام اسلام را نظامی دینی و دنیوی می‌پندارد ولی می‌گوید: اجرای نظام اسلام در امور دنیوی در عصر حاضر مناسب نیست. و گروهی می‌گوید: قوانین اسلامی در عصر جدید قابل اجرا و مناسب هستند و تمام قوانین آن دائمی و همیشگی نیز می‌باشد ولی امروز بعضی از دستورات آن را نمی‌توان پیاده کرد چون اجرای آن باعث نارضایتی دولتهای بیگانه می‌گردد و گروهی معتقد است که نظام اسلام از قرآن و سنت مأخوذ نگشته بلکه بیشتر مواد آن آرای شخصی فقهای اسلام است.

این مشهورترین ادعاهای آنها بودند که کوچکترین قیمت و ارزشی ندارند چون از کسانی صادر شده‌اند که از نظام اسلام کاملاً جاهل و بی‌اطلاع هستند و کسی که از چیزی بی‌خبر باشد نمی‌تواند درباره‌ی آن حکمی صادر کند، حقیقت این است که این همه ادعاهای آنها به دو علت بر می‌گردد. اولاً: اینکه آنها از نظام اسلام اطلاع نداشته‌اند و ثانیاً: آنها تحت تأثیر فرهنگ اروپایی قرار گرفته سعی کرده‌اند تا نظام اسلام را حسب معلومات خود و طبق قوانین ساختگی توجیه و تطبیق دهند.

و اما برای بطلان این همه ادعاها چه دلیلی از این بهتر که آرای همه آنها متناقض‌اند گروهی چیزی را ثابت و گروه دیگری آن را باطل قلمداد می‌کند و برعکس ما در بحث‌های آینده این همه ادعاها را یکی یکی بررسی و بطلان آنها را به یاری خداوند توضیح می‌دهیم.

اولاً: اسلام هیچ رابطه‌ای با سیاست و حکومت ندارد

برخی از دانش آموختگان اروپایی مدعی هستند که اسلام یک دین است و دین عبارت است از رابطه انسان با پروردگارش و بس و هیچ رابطه‌ای با حکومت و دولت ندارد، و اگر از آنان سوال شود که آیا این نظریه شما را قرآن و سنت تأیید می‌کند؟ از جواب دادن عاجز می‌مانند زیرا برای ادعای خود سند و برهانی از قرآن و سنت ندارند تا از آن استدلال کنند بلکه فرهنگ و نظام‌های اروپایی را که معتقد به جدایی دین از دولت است تحصیل کرده‌اند و تحت تأثیر آن قرار گرفته‌اند و گمان می‌کنند که این نظریه (جدایی دین از سیاست) شامل حال تمام کشورها و نظام‌ها می‌گردد و اگر عقل داشتند درک می‌کردند که نظام ساختگی و فرهنگ اروپایی نمی‌تواند در این مورد برای آنها دلیلی باشد چون برای حل یک مسئله اسلامی باید از نظام اسلام استدلال نمود، زیرا اگر اسلام در میان دین و دنیا جدایی قائل شود در آن صورت ادعای آنها صحیح است و اما اگر نظام اسلام مجموعه دین و دنیا است و در میان عبادت و رهبری، مسجد و دولت پیوند می‌دهد در آن صورت ادعای آنها باطل و مردود است.

چندین سال پیش من با گروهی از جوانان مصری که در رشته حقوق تحصیل کرده بودند جلسه‌ای داشتم و درباره اسلام و نظام اسلام و نظام حکومت بحث و گفتگو شد آنها معتقد بودند که اسلام هیچ رابطه‌ای با حکومت و دولت ندارد و من خطا بودن عقیده آنها را برایشان توضیح دادم و گفتم: شما حقوقدان هستید و علیه اسلام بدون دلیل قضاوت می‌کنید و می‌گویید که، اسلام با حکومت هیچ رابطه‌ای ندارد یکی از آنها سخن مرا قطع کرد و گفت: شما از قرآن دلیلی بیاورید که اسلام در میان دین و دولت وحدت قائل است.

من هدف او را فهمیدم و گفتم: آیا دلیلی از سنت پیامبر ﷺ شما را کفایت نمی‌کند؟ گفت: نه. زیرا قرآن دستور خداوند است و بس. من بسوی دوستان وی نگاه کردم همه را دیدم که به همین عقیده اصرار می‌ورزند من از این جوانانی که شدیداً به قرآن ایمان

داشتند و از احکام آن بی‌خبر بودند بسیار تعجب کردم و برای این مسلمانان بسیار تأسف خوردم که جهالت آنان از تعلیمات قرآن باعث شده است تا دو حکم از آشکارترین احکام قرآن را انکار ورزند.

نخست: اینکه اسلام در میان دین و دنیا وحدت قائل است.

دوم: اینکه سنت پاک پیامبر ﷺ برای هر مرد و زنی حجت است، همچنانکه قرآن برای همه مردان و زنانی حجت می‌باشد.

و اما این جوانان مسلمانی که به قرآن ایمان داشتند نمی‌دانستند که قرآن کریم بر مجازات قاتل، تجاوزگر، دزد، زانی و بهتان زننده، دستور داده است و خداوند در این مورد می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ﴾ [البقرة: ۱۷۸]. «ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید حکم قصاص در مورد کشته شدگان بر شما نوشته شده است». و نیز خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَفْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَّةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ﴾ [النساء: ۹۲]. «برای هیچ فرد با ایمانی جایز نیست که مؤمنی را به قتل برساند، مگر اینکه این کار او از روی خطا و اشتباه رخ دهد و کسی که مؤمنی را از روی خطا بکشد باید یک برده مؤمن آزاد کند و به کسان او خون بها پردازد».

و خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِّنْ خَلْفٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ﴾ [المائدة: ۳۳]. «همانا کیفر آنها که با خدا و پیامبر به جنگ بر می‌خیزند و در روی زمین دست به فساد می‌زنند این است که اعدام شوند، یا بدار آویخته گردند یا دست راست و پای چپ آنها بریده شود یا از سرزمین خود تبعید گردند».

و خداوند می‌فرماید: ﴿وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا﴾ [المائدة: ۳۸]. «هر مرد و زنی که دزدی کند دست‌هایشان را قطع کنید». و نیز می‌فرماید: ﴿الرَّانِيَةُ وَالرَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةً جَلْدَةً﴾ [النور: ۲]. «به هر یک از زن و مرد زناکار صد تازیانه بزنید». و

خداوند می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً﴾ [النور: ۴]. «و کسانی که به زنان پرهیزگار نسبت زنا می‌دهند، آن گاه چهار گواه نمی‌آورند، به آنان هشتاد تازیانه بزنید». و در اینجا نصوص بسیاری وجود دارد که عده‌ای از جرائم را حرام و قابل مجازات قرار می‌دهد و اما بعضی از جرائم مجازات آن محدود است مانند مجازات مرتد و بعضی غیر محدود مانند تعزیر، سب و شتم کننده و خیانت در امانت و....

این همه جرائم را قرآن حرام قرار داده و مجازاتی نیز مقرر کرده است، تحریم جرائم و تعیین مجازات از مسائل عبادی نیست بلکه از مسائل سیاسی و حکومتی است و اگر اسلام در میان دین و دولت وحدت و یگانگی قائل نمی‌شد، هیچ وقت تنفیذ این احکام را در قرآن کریم ذکر نمی‌کرد در حالیکه اسلام تمام مسلمین را موظف می‌سازد تا حکومت و دولتی تأسیس کنند و وظیفه دولت است تا تمام قوانین اسلام را بمرحله‌ای اجراء درآورد، و نیز حسب فرمان قرآن کریم نحوه تشکیل حکومت اسلامی باید شورایی باشد چنانکه خداوند می‌فرماید: ﴿وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ﴾ [الشوری: ۳۸]. «و کارشان را با مشورت یکدیگر انجام می‌دهند». و نیز خداوند به پیامبر اسلام می‌فرماید: تا با صحابه‌ی کرام در امور کشوری مشورت کند ﴿وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ﴾ [آل عمران: ۱۵۹]. «ای پیامبر در کارها با آنها مشورت کن».

وجود نظام شوری اقتضا می‌کند تا دولت و حکومتی اسلامی وجود داشته باشد و اگر اسلام دین و دنیا را جدا از هم می‌دانست هیچگاه نحوه تشکیل حکومت را پیشنهاد نمی‌کرد، قرآن کریم دستور می‌دهد تا در میان مردم به عدالت و طبق دستورات منزل خداوندی حکومت شود، چنانکه خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ﴾ [النساء: ۵۸]. «خداوند بشما امر می‌کند که امانت‌ها را به صاحبان آن برسانید، هنگامیکه در میان مردم داوری می‌کنید از روی

عدالت دآوری کنید». و نیز می‌فرماید: ﴿وَأَنِ احْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ﴾ [المائدة: ۴۹]. «و باید در میان آنها طبق آنچه که خداوند نازل کرده است حکم کنی»، و خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ﴾ [المائدة: ۴۴]. «و هر کسی که به احکام نازل کرده خداوند حکم نکند کافر است». و مهم‌ترین کار دولت بر سر مردم حکومت کردن است و قرآن کریم در میان دین و دولت پیوند داده است و دولت را مؤظف ساخته تا بر اساس نظام اسلام حکومت کند و قرآن امر به معروف و نهی از منکر را واجب قرار می‌دهد خداوند می‌فرماید: ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ [آل عمران: ۱۰۴]. «باید از میان شما گروهی دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند».

و از نظر شریعت اسلامی تمام چیزهای جائز، معروف و تمام چیزهای ناجائز، منکر هستند. و اسلام بر افراد و جماعات مسلمین وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را واجب قرار داده است پس بنابراین ایجاد دولت و حکومت اسلامی هم واجب و ضروری است، زیرا اگر دولتی اسلامی موجود نباشد، دستورات اسلام به مرحله تعطیل درخواهند آمد.

قرآن کریم در میان دین و دنیا این چنین پیوند و رابطه برقرار کرده است و نیز در نصوص بسیاری در میان دین و دنیا رابطه برقرار می‌کند حتی گاهی جستجو کننده نص واحدی را مشاهده میکند که در میان امور دینی و اخلاقی و امور دنیوی پیوند داده است بطور مثال خداوند می‌فرماید: ﴿قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ ۖ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا ۖ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا ۖ وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ ۖ أُولَئِكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ ۖ وَلَا تَقْرَبُوا أَلْفَاوِحَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطْنٌ ۖ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ ۖ إِلَّا بِالْحَقِّ ۚ ذَٰلِكُمْ وَصَّلَكُمْ بِهِ ۖ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿۱۵۱﴾﴾ [الأنعام: ۱۵۱]. «بگو: بیایید آنچه را که پروردگارتان بر شما حرام کرده است برایتان بخوانم اینکه چیزی را شریک خدا قرار ندهید و به پدر و مادر نیکی کنید و فرزندان را از ترس فقر نکشید ما، شما و آنها را روزی میدهم و به کارهای

زشت نزدیک نشوید چه آشکار باشد یا پنهان و نفسی را که خداوند کشتن آن را حرام کرده است بقتل نرسانید مگر از روی استحقاق این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش کرده تا درک کنید».

این نص واحدی است که شرک بالله و نافرمانی والدین و قتل ظاهری و پوشیده را حرام قرار داده است چه دلیل بهتری از این در پیوند دین و دنیا.

و دولت اسلامی وظیفه داد تا حسب دستورات قرآن امور دینی و دنیوی را انجام دهد خداوند در این مورد می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ [الحج: ۴۱]. «مؤمنین آنهایی هستند که اگر در روی زمین به آنان اقتدار و تمکین دهیم نماز بپادارند و زکات می‌دهند امر به معرف و نهی از منکر می‌کنند».

و این نص قاطعانه دلالت می‌کند که دولت اسلامی نمونه مردم خود را به اقامه نماز و ادای زکات و امر به معروف و نهی از منکر امر می‌کند و نیز دولت اسلامی را موظف می‌سازد تا تمام امور سیاسی را طبق اصول اسلام حل نماید و در این مورد در قرآن کریم نصوص بسیاری آمده است که بعلم تنگی مقام گنجایش ذکر آنها وجود ندارد، و خصوصاً در مورد جنگهای داخلی و خارجی، جنگ و صلح، معاهدات، معاملات و احوال شخصی در قرآن کریم دستورات لازم ذکر شده است.

و قرآن حق فقراء را در اموال اغنیاء فرض کرده است و نیز برای یتیمان و مساکین و مسافر از بیت المال حقوق تعیین نموده است و برای تمام امور دنیوی و نیز تمام امور عبادات و اعتقادات احکام صادر کرده است و امور دنیوی را طبق اصول دینی و اخلاقی استوار کرده، دین و اخلاق را برای تنظیم امور دولت و توجیه حاکمان و مردم وسیله‌ای اتخاذ نموده است و در میان دین و دولت بصورتی پیوند داده است که از نظر اسلام دولت یعنی دین و دین یعنی خود دولت است.

و اما این جوانان مؤمن و معتقد به قرآن نمی‌دانند که پیروی از تمام اعمال تشریعی و دستورات پیامبر اسلام ﷺ بدستور خود قرآن بر تمام مسلمین جهان واجب است زیرا که پیامبر اسلام ﷺ از خواهشات نفسانی خود سخن نمی‌گوید بلکه هر چه می‌گوید از جانب خداوند است چنانکه خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۚ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾ [النجم: ۳-۴]. «پیامبر اسلام هرگز به هوای نفس سخن نمی‌گوید بلکه سخن او غیر از وحی خداوند نیست». و در مورد اطاعت و پیروی از اوامر و دستورات پیامبر اسلام خداوند در قرآن دستورات بسیاری داده است چنانکه می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ﴾ [النساء: ۵۹]. «ای کسانی‌که ایمان آورده اید از خدا و پیامبر اطاعت کنید». و نیز می‌فرماید: ﴿مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ﴾ [النساء: ۸۰]. «کسی از پیامبر اطاعت کند از خدا اطاعت کرده است». خداوند می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [آل عمران: ۳۱]. «ای پیامبر اسلام به مردم بگو: اگر شما خدا را دوست می‌دارید از من پیروی کنید خداوند شما را دوست می‌دارد». و نیز می‌فرماید: ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾ [الحشر: ۷]. «آنچه را که پیامبر بشما دستور می‌دهد بگیرید و انجام دهید و آنچه را که نهی می‌کند واگذارید».

و نیز خداوند می‌فرماید: ﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [النساء: ۶۵]. «به پروردگارت سوگند که آنها مؤمن نخواهند شد مگر اینکه تو را در اختلافات خویش برای داوری طلب کنند و سپس در دل خود از داوری تو احساس ناراحتی نکنند و کاملاً تسلیم شوند». و خداوند می‌فرماید: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾ [الأحزاب: ۲۱]. «البته اقتدار و پیروی از رسول خدا برای شما الگوی

خوبی است و نیز برای کسی که به ثواب خدا در روز قیامت امیدوار باشد و خدا را بسیار یاد کند».

ثانیا: پیاده نمودن قوانین اسلامی در عصر حاضر ممکن نیست

بعضی از دانش آموختگان اروپایی ادعا می‌کنند که پیاده نمودن نظام اسلام مناسب حال عصر جدید نیست ولی برای ادعای خویش هیچگونه علت و سببی بیان نمی‌کنند و اما اگر می‌گفتند که: این اصل از اصول اسلام بنابراین علت مشخص در عصر حاضر قابل اجرای نمی‌باشد در آن صورت ادعای آنها وزن و ارزش می‌داشت و هم بحث و مناقشه با آنها ممکن بود ولی دعوای بدون دلیل و برهان آنان که کل نظام اسلام صلاحیت اجرا را ندارد برای خردمندان تعجب آور است.

و هنگامیکه ما دانستیم آنهایی که چنین مدعی هستند کاملاً از نظام اسلامی بی‌خبراند ما می‌توانیم بگوییم که: دعوای آنها مبنی بر جهالت است و افترا بی‌بش نیست، و چون تمام اصول اسلام برای همیشه ثابت و لا یتغیر هستند بنابراین کل نظام اسلام هم برای همیشه صلاحیت اجرا را دارد و هیچ اصلی یافت نمی‌شود که قابل اجراء نباشد و با فهم این اصول عمق نادانی برخی از مسلمانان نسبت به اسلام آشکار می‌شود.

مساوات

شریعت اسلام اصل مساوات را در میان تمام توده مردم بدون قید و شرط وضع کرده است چنانکه خداوند می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ [الحجرات: ۱۳]. «ای مردم ما همه شما را از یک مرد و زن آفریدیم و آنگاه شما را شعبه‌ها و قبیله‌های مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید و همانا بزرگواریترین شما نزد خداوند با تقوی‌ترین شما است».

و پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «النَّاسُ سَوَاسِيَةٌ كَأَسْنَانِ الْمِشْطِ الْوَاحِدِ^(۱) لَا فَضْلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى أَعْجَمِيٍّ إِلَّا بِالتَّقْوَى»، «تمام مردم مانند دندانهای شانه مساوی هستند و هیچ عربی بر عجمی بجز از تقوی برتری ندارد».

و اسلام بیش از سیزده قرن پیش این اصل را وضع کرده است در حالیکه قوانین ساختگی که نادانان به آن افتخار می‌کنند در اواخر قرن هیجدهم به این اصل اعتراف نموده است و امروز هم اکثر کشورهای اروپایی و آمریکایی این اصل را با قید و شرط اجراء می‌کنند.

آزادی

شریعت اسلامی از روز اول اصل آزادی را با بهترین شکل، آزادی فکر، آزادی عقیده و آزادی گفتار اعلام نموده است در این زمینه آیات و روایات بسیاری وارد شده است و ما بعضی از آنها را ذکر می‌کنیم خداوند می‌فرماید: ﴿قُلِ أَنْظَرُوا مَاذَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ [یونس: ۱۰۱]. «ای پیامبر به مردم بگو: در موجودات آسمانها و زمین بنگرید». و می‌فرماید: ﴿وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ [آل عمران: ۷]. «بجز از خردمندان متذکر نمی‌شوند» و خداوند می‌فرماید: ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ﴾ [البقرة: ۲۵۶]. «در قبول کردن دین اجباری نیست». و نیز می‌فرماید: ﴿وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ [آل عمران: ۱۰۴]. «باید از میان شما گروهی دعوت به نیکی کنند امر به معروف و نهی از منکر نمایند». در حالیکه قوانین ساختگی بعد از انقلاب فرانسه آزادی و اقسام سه گانه آن را اعتراف کرده است ولی نادانان همیشه فضائل اسلام را از اسلام انکار و بطرف قوانین ساختگی نسبت می‌دهند.

۱- امام شوکانی در (الفوائد المجموعة) این قسمت حدیث را موضوع و ساختگی دانسته است. [مُصحح]

عدالت

از جمله اصولی که شریعت اسلامی بر آن استوار است، اصل عدالت اجتماعی است خداوند در این مورد می‌فرماید: ﴿وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ﴾ [النساء: ۵۸]. «و هنگامیکه در میان مردم داوری می‌کنید از روی عدالت داوری کنید». و نیز می‌فرماید: ﴿وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا﴾ [المائدة: ۵۸]. «و مبدا که دشمنی با گروهی شما را از عدالت باز دارد». و نیز می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَآءَ لِلّٰهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللّٰهُ أُولَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوُّا أَوْ تُعْرَضُوا فَإِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا﴾ [النساء: ۱۳۵]. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید پیوسته به عدالت قیام کنید و برای خدا گواهی دهید هر چند به زیان خودتان یا [به زیان] پدر و مادر و خویشاوندان [شما] باشد اگر [یکی از دو طرف دعوا] توانگر یا نیازمند باشد باز خدا به آن دو [از شما] سزاوارتر است پس از پی هوس نروید که [در نتیجه از حق] عدول کنید و اگر به انحراف گرایید یا اعراض نمایید قطعاً خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است».

اسلام از روز اول این اصل را پذیرفته و اعلام کرده است در حالیکه قوانین ساختگی در اواخر قرن هیجدهم به این اصل اعتراف نموده است و این اصول سه گانه را که قوانین ساختگی بر آن استوار است اسلام یازده قرن پیش آنها را مشروع ساخته است پس چطور اجرای قوانین ساختگی برای عصر حاضر مناسب است و اما اجرای نظام اسلام که آن هم به همین اصول استوار شده مناسب نیست.

شوری

اسلام از روز اول اصل شوری را وضع کرده است خداوند در این مورد می‌فرماید: ﴿وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ﴾ [الشوری: ۳۸]. «کارشان از راه مشورت اداره می‌شود».

و نیز می‌فرماید: ﴿وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ﴾ [آل عمران: ۱۵۹]. «در کارها با آنان مشورت کن». شریعت اسلامی یازده قرن پیش از قوانین ساختگی نسبت به اصل شوری سبقت بسته است علاوه از انگلستان که ده قرن بعد از اسلام به این اصل اعتراف نموده است.

هیئت حاکمه

اسلام از روز اول اختیارات هیئت حاکمه را مقید کرده و آن را نماینده ملت و درمقابل اشتباهات مسئول قرار داده است و قانون اسلام برای مسئول و رعیت یکسان اجرا می‌گردد، حاکم و مسئول بدون امتیاز در تمام تصرفات خود مقید است، تا مطابق قانون اسلام و اصل مساوات انحام وظیفه نماید و اسلام یازده قرن پیش اصولی را که امروزه دولتهای عصر جدید مدعی آن هستند وضع کرده است پس چطور گفته می‌شود که نظام اسلام در عصر جدید صلاحیت پیاده شدن را ندارد؟

شراب و طلاق

اسلام شراب را حرام و طلاق را جائز قرار داده است خداوند در این مورد می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَمُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ﴾ [المائدة: ۹۰]. «ای کسانی که ایمان آورده اید همانا شراب و قمار و بتها و ازالام (که در زمان جاهلیت یکنوع بخت آزمایی بوده است) پلید و از عمل شیطانند از آنها دوری کنید». و نیز می‌فرماید: ﴿الطَّلُقُ مَرَّتَانٍ فَإِمْسَاكَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ﴾ [البقرة: ۲۲۹]. «طلاق دو مرتبه است یا باید بطور شایسته (همسر خود را) نگهدارد و یا با نیکی او را رها سازد». در حالیکه قوانین ساختگی اخیراً در همین قرن، شراب را حرام و طلاق را جائز کرده است و بعضی از قوانین شراب را مطلقاً حرام بعضی در صورت جزئی حرام می‌داند و نیز بعضی از قوانین طلاق را بدون قید و شرط و بعضی با قید و شرط جائز قرار می‌دهد پس چطور قوانینی که از شریعت اسلام مأخوذ شده است صلاحیت اجراء را دارد و اما خود

نظام اسلام قابل پیاده شدن نیست.

تعاون و تکافل اجتماعی

اسلام اولین نظام است که نظریه تعاون و همکاری و تکافل اجتماعی را مدنظر قرار داده است خداوند می‌فرماید: ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾ [المائدة: ۲]. «در راه نیکی و پرهیزکاری با هم تعاون کنید و در راه گناه و تجاوز همکاری ننمایید».

و نیز می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ ۖ لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ﴾ [المعارج: ۲۴-۲۵]. «مؤمنان واقعی کسانی هستند که در مال و دارایی خویش سهمی مشخص می‌کنند تا برای فقیران سائل و فقیران آبرومند محروم برسانند». و خداوند می‌فرماید: ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا﴾ [التوبة: ۱۰۳]. «ای پیامبر از اموال مؤمنین صدقات دریافت کن و آنها را بوسیله آن پاکیزه بگردان». و همچنین می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا الصَّدَقَتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَمِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَرَمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ ۚ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ [التوبة: ۶۰]. «صدقات فقط برای فقیران و بینوایان و کارگزاران [گمارده شده] بر آن و دلجویی شوندگان و [برای خرج کردن] در [راه آزادی] بردگان و وامداران و [برای هزینه کردن] در راه خدا و در راه ماندگان است که [به عنوان] حکم مقرر شده از [سوی] خداست. و خداوند دانای فرزانه است».

و نیز می‌فرماید: ﴿مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ ۚ لَا يَكُونُ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ [الحشر: ۷]. «آنچه خدا از [دارایی] ساکنان آن قریه‌ها عاید پیامبرش گردانید از آن خدا و از آن پیامبر [او] و متعلق به خویشاوندان نزدیک [وی] و یتیمان و بینوایان و درراه‌ماندگان است تا میان توانگران

شما دست به دست نگرده و آنچه را فرستاده [او] به شما داد آن را بگیرید و از آنچه شما را باز داشت بازایستید و از خدا پروا بدارید که خدا سخت کیفر است.»

احتکار

شریعت اسلامی احتکار، بهره‌کشی و رشوه را حرام قرار می‌دهد خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِيَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ [البقرة: ۱۸۸]. «و اموالتان را در بین خود به ناحق مخورید و [به رشوه دادن] آن را به حاکمان پیش کش مکنید تا از روی گناه و آگاهانه بخشی از اموال مردم را بخورید». و قوانین ساختگی جدید، اخیراً به این اصول پی برده است.

زنا

شریعت اسلامی فواحش ظاهر و پوشیده، گناه و بغاوت را حرام می‌داند، خداوند در این مورد می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَالْإِثْمَ وَالْأَلْبَعُیَ بِغَيْرِ الْحَقِّ﴾ [الأعراف: ۳۳]. «ای پیامبر اسلام) بگو: پروردگارم تمام کارهای زشت را چه ظاهر و پوشیده گناه و تجاوز بغیر از حق را حرام کرده است».

این اصول نمونه‌ای بودند که اسلام بر آنها قائم و استوار شده است و بشریت بسوی آنها می‌نگرد و انسانیت آنها را در خواب می‌بیند، پس چطور نظامی که اصول آن در عصر جدید نمونه و الگو هستند صلاحیت اجراء را ندارد؟

اگر ما اصول انسانی و اجتماعی و قانونی را که عصر جدید به آن آشنایی دارد و فرزندان آن به آنها افتخار می‌ورزند بررسی کنیم همه را یکی یکی در نظام اسلام به بهترین شکل و برترین صورت مشاهده می‌کنیم و اما اگر ترس از طولانی شدن نبود، برخی دیگر از این اصول و نصوص را هم ذکر می‌کردم.

خلاصه اینچنین آشکار می‌گردد که ادعای آنان به عدم صلاحیت اجرای نظام اسلامی مبنی بر جهالت مدعیان از نظام اسلام است و در واقع هیچ گونه مدارک و سندی ندارند

و شاید عذر واحدی که ممکن است از سوی آنها معذرت خواهی شود این است که، آنان خوانده بودند که قوانین قدیم بر اصول کهنه استوارند و عصر جدید آنها را رد می‌کند، این قول را بعنوان یک قانون کلی و عام حفظ کرده و بر شریعت اسلامی تطبیق نموده‌اند چون شریعت اسلامی در صفت قدیم مشترک است بنابراین بدون اینکه فکر کنند و تفاوت‌های بیان شده نظام اسلام و قوانین ساختگی را بفهمند اسلام را هم استثنا نکرده‌اند.

ثالثاً: بعضی از دستورات اسلام موقت‌اند

گروهی از دانش آموختگان اروپایی معتقداند که اجرای دستورات اسلام در عصر حاضر صحیح و مناسب است ولی پاره‌ای از آن از قبیل قوانین جزایی و خصوصاً قانون قصاص مانند رجم زانی و قطع دست دزد در اسلام بصورت موقت وضع شده بنابراین امروز قابل اجرا نمی‌باشد، اما این ادعای آنها ظن و گمانی بیش نیست و هیچ دلیل و برهانی ندارد و چون آنها این مجازات را در قوانین بشری نمی‌یابند با اینگونه تأویلات و توجیهات می‌خواهند خود را نجات دهند و اگر سران قوانین ساختگی فردا هم به قوانین جزایی اسلام عمل کنند این گروه نیز از رأی خود برخواهد گشت و مدعی دائمی بودن مجازات اسلامی خواهد شد، و اما اگر این گروه مسلمان قوانین اسلام را درست درک می‌کرد و می‌فهمید که تمام آن دائمی و همیشگی هستند هرگز این چنین ادعایی نمی‌کرد زیرا قانونی که تا هنگام وفات پیامبر اسلام لغو نشده دیگر تا روز قیامت منسوخ نخواهد شد و قرآن کریم قبل از رحلت پیامبر اسلام ﷺ به تکمیل شدن اسلام بدون کم و زیاد اعلام کرده است و خداوند در این مورد می‌فرماید: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ [المائدة: ۳]. «امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تکمیل نمودم و اسلام را بعنوان دین برای شما پسندیدم».

آیا این مسلمانان نمی‌دانند اگر موقت بودن بعضی از احکام اسلام جائز باشد البته موقت بودن بعضی دیگر نیز جائز خواهد بود و اگر به مردم اجازه داده شود تا به

خواهشات نفسانی خویش عمل کنند اسلام از صحنه عمل خواهد رفت.

رابعاً: اجرای بعضی احکام از قدرت دولتهای اسلامی خارج است

گروه دیگری برعکس گروه اول ادعا می‌کند که تمام قوانین اسلام دائمی و همیشگی و واجب اجرا هستند، لیکن اجرای بعضی از قوانین مجازات اسلامی مانند قطع دست دزد و رجم زانی امروز غیر ممکن است چون دولتهای اسلامی ضعیف و ناتوانند و برخی افراد خارجی هم در کشورهای اسلامی زندگی می‌کنند هرگز خود و دولتهایشان راضی نیستند تا این مجازات بر آنها جاری شوند این گروه فقط از ترس و وحشت کشورهای خارجی به عدم تطبیق قوانین اسلامی معتقد است و اما اسلام به هیچ صورت این نظریه را نمی‌پذیرد و خداوند صریحاً اعلام می‌فرماید:

﴿فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَاخْشَوْا اللَّهَ﴾ [المائدة: ۴۴]. «پس از مردم نهراسید و از من بترسید و آیات مرا به بهای ناچیز نفروشید و هر کس به دستورات نازل کرده خدا عمل نکند کافر است».

و ما به این گروه می‌گوییم: برخی از فقهای اسلامی معتقدند اگر در کشور اسلامی شخصی خارجی و غیر مسلمان مرتکب زنا و دزدی شود بر آن حد جاری نمی‌شود و در چنین صورتی هیچ اشکالی ندارد تا به رأی این فقهاء عمل گردد.

و نیز می‌گوییم: مجازات رجم زانی بسیار نادر صورت می‌گیرد زیرا بسیار مشکل است که زنا بشهادت شهود ثابت شود و بنابراین تمام کسانی که در عهد پیامبر اسلام ﷺ و خلفاء راشدین رجم شدند خودشان اعتراف و اصرار کرده بودند. و زنا فقط به دو صورت یا اعتراف و یا بشهادت چهار نفر عادل که حالت مخصوص عمل زنا را مشاهده کنند ثابت می‌شود و این بسیار مشکل بنظر می‌رسد و نیز مسلمانان امروز آنچنان ایمانی ندارند که آنها را به اعتراف و اقرار نماید.

خامسا: فقه اسلامی آراء شخصی فقهاء است

و بعضی از دانش آموختگان اروپایی معتقدند که فقه اسلامی در اغلب حالات از ابتکارات فقهای اسلام است بنابراین اگر احیاناً نظریه‌ای فقهی به آنها ارایه شود که فقهای اسلامی در قرن هفتم و هشتم میلادی به آن پی برده‌اند و علمای قانون بجز در قرن نوزدهم و بیستم میلادی از آن هیچ آشنایی نداشته‌اند. حیران شده تعجب می‌کنند آری یک مرتبه گروهی از آنان به من گفت که: ائمه مذاهب فقهی انسان‌های مافوق بشری بوده‌اند چون سیزده قرن پیش با تفکرشان از انسان‌های متفکر امروزی سبقت جسته‌اند ولی هیچ شک و تردیدی در اشتباه بودن نظریه آنهاپی که می‌گویند: فقه اسلامی از ابتکارات فقهای است که انسانهای مافوق بشری بوده‌اند وجود ندارد، بلکه حقیقت این است که فقهای اسلام با معلومات وسیع و تفکرشان انسان بوده‌اند و چیز جدیدی از طرف خود نیاورده‌اند بلکه پیش خود شریعتی غنی و پر بار از نظریات و اصولی را دیده‌اند و به تشریح و توضیح آن پرداخته‌اند و اگر احیاناً ابتکاری بچشم می‌خورد آنهم از ابتکارات شریعت اسلامی محسوب می‌شود که از تفکر بشر سبقت جسته و با برتری نظریات و اصولی که مردم را بسوی برتری و کمال رهنمون می‌کند استوار شده است و بنابراین، فقهای اسلام نظریه مساوات و آزادی و عدالت اجتماعی و نظریه شوری حکومت و مسئولیت حاکم و نظریه حرمت شراب و جواز طلاق را ابتکار ننموده‌اند بلکه آنها را از نصوص قرآن و سنت اخذ کرده‌اند که در این زمینه قبلاً تفصیلی بحث شده است و نیازی به ذکر مجدد آن نیست.

و فقهای اسلام به تحریر قرار دادهای اجتماعی و ثبوت دعوای تجارتی بشهادت شهود را وضع نکرده‌اند بلکه خداوند متعال در این مورد می‌فرماید: ﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُبَ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسَ مِنْهُ شَيْئًا فَإِن كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمْلَ هُوَ فَلْيُمْلِلْ

وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رَجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى وَلَا يَأْتِ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسْمُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَى أَجَلِهِ ذَلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَى أَلَّا تَرْتَابُوا إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا ﴿البقرة: ۲۸۲﴾. «ای مؤمنان، اگر به وامی تا سررسیدی مقرر [با همدیگر]

معامله کردید، آن را بنویسید و باید نویسنده‌ای [آن را] دادگرانه بین شما بنویسد و هیچ نویسنده‌ای نباید از آنکه چنان بنویسد که خدا به او آموخته است سرباز زند. او باید بنویسد. و کسی که وام بر عهده اوست املا کند و باید از خداوند، پروردگارش پروا بدارد و از آن چیزی نکاهد. اگر کسی که وام بر عهده اوست، کم خرد یا ناتوان باشد یا خود نتواند املا کند، باید سرپرست او عادلانه املا کند. و دو شاهد را از مردانتان گواه گیرید، و اگر دو مرد [حاضر] نباشند، یک مرد و دو زن از کسانی از گواهان که می‌پسندید [گواه گیرید] تا اگر کسی از آنان فراموش کند یکی از آنان به دیگری یاد آوری کند و گواهان هر گاه که فراخوانده شوند، نباید سرباز زنند و از آنکه آن را- خواه اندک باشد یا بسیار- تا سررسیدش بنویسید، دل‌گیر مشوید، این به نزد خداوند به قسط نزدیکتر و برای گواهی دادن استوارتر و به آنکه به شک نیفتید [به احتیاط] نزدیکتر است. مگر آنکه تجارتی حضوری باشد که آن را در میانتان دست گردان می‌کنید، پس در اینکه آن را ننویسید، گناهی بر شما نیست».

و فقهای اسلام بطلان قرار دادهای مضر و واگذاری شرایط املا کردن اسناد خرید و فروش را به بدهکار اختراع نکرده‌اند بلکه خداوند به این همه دستور داده‌است چنانکه می‌فرماید: ﴿وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ﴾ [البقرة: ۲۸۲]. «و آن کسی که بدهکار است باید املا کند و از خدا بپرهیزد و چیزی را رها نسازد و اگر کسی که حق بدمه اوست سفيه یا ضعيف و یا (بخاطر لال بودن) توانایی بر املا کردن را ندارد باید ولی او با رعایت عدالت بجای او املا کند».

و فقها نظریه اضطراری را که باصلاح قانونی ما (قانون ساختگی نظریه تغییر ظروف نامیده می‌شود ابتکار ننموده‌اند بلکه آن را از نصوص قرآن اخذ نموده‌اند. خداوند می‌فرماید: ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ [البقرة: ۲۸۶]. «خداوند هیچ نفسی را بیش از توانایی مکلف نمی‌سازد». و نیز می‌فرماید: ﴿وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ﴾ [الحج: ۷۸]. «خداوند در مورد دین هیچگونه سختی بر سر شما روا نداشته است».

و خداوند می‌فرماید: ﴿وَقَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرُّتُمْ إِلَيْهِ﴾ [الأنعام: ۱۱۹]. «خداوند آنچه را که برای شما حرام کرده بیان نموده است مگر آنکه بسوی آن ناچار باشید (در آن صورت خوردن گوشت حیوان حرام هم جائز است)». و فقها نظریه عفو مجبور و مضطر را ابتکار نکرده‌اند بلکه شریعت اسلام آن را وضع نموده است خداوند می‌فرماید: ﴿إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ﴾ [النحل: ۱۰۶]. «مگر آنکه از روی اجبار کافر شود و ایمان در قلبش ثابت باشد»

و نیز می‌فرماید: ﴿فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ﴾ [البقرة: ۱۷۳]. «پس هر کسی که (بخوردن گوشت‌های حرام) محتاج شود در صورتی که به (خوردن آن) تمایل نداشته باشد و از اندازه سد رمق نیز تجاوز نکند گناهی بر او نخواهد بود».

و پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «رُفِعَ عَنْ أُمَّتِي الْخَطَا وَالنَّسْيَانُ وَمَا اسْتُكْرِهُوا عَلَيْهِ» «از امت من مسئولیت خطا فراموشی و اجبار سلب شده است (یعنی در مقابل اعمالی که به این صورت از آنان سر زده است مجازات و کیفر نمی‌شود)».

و فقهای اسلام، نظریه عفو صغیر، دیوانه و خوابیده را اختراع نکرده‌اند بلکه از فرمایشات پیامبر اسلام ﷺ این همه را اخذ نموده‌اند که می‌فرماید: «رُفِعَ الْقَلَمُ عَنْ ثَلَاثَةٍ: عَنِ الصَّبِيِّ حَتَّى يَحْتَلِمَ وَعَنِ النَّائِمِ حَتَّى يَسْتَيْقِظَ وَعَنِ الْمَجْنُونِ حَتَّى يُفِيقَ» «مسئولیت تکلیف از سه کس برداشته شده است از بچه تا بزرگ و بالغ شود و از خوابیده تا بیدار گردد و از دیوانه تا به هوش آید».

و نیز فقهای اسلام نظریه عدم مؤاخذه بیگناه را اختراع نکرده‌اند بلکه خداوند دستور داده است و می‌فرماید: ﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى﴾ [فاطر: ۱۸]. «هیچ کسی بار گناه دیگری را بدوش نمی‌کشد». و پیامبر اسلام ﷺ در این مورد می‌فرماید: «لَا يُؤْخَذُ الرَّجُلُ بِجَرِيرَةٍ أَبِيهِ وَلَا بِجَرِيرَةِ أَخِيهِ»، «هیچ فردی به سبب گناه پدر و برادرش مجازات و کیفر نمی‌شود». نیز به ابو رثمه و پسرش می‌گوید: «إِنَّهُ لَا يَجْنِي وَلَا تَجْنِي عَلَيْهِ»، «ای ابو رثمه پسر تو مسئول جنایت تو و تو مسئول جنایت او نیستی».

و فقهای اسلام در میان قتل عمد و غیر عمد موجب تفریق نشده‌اند بلکه خداوند در این مورد می‌فرماید: ﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَّةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَى أَهْلِهِ﴾ [النساء: ۹۲]. «برای هیچ مؤمنی جائز نیست که فرد با ایمانی را بکشد مگر اینکه این کار از روی خطا از او سرزند و اگر کسی مؤمنی را از روی خطا بقتل برساند باید یک برده مسلمان آزاد کند و خون بهای آن را بکسان وی بپردازد». و نیز می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ﴾ [البقرة: ۱۷۸]. «ای کسانی که ایمان آورده اید حکم قصاص در مورد کشته شدگان بر شما نوشته شده است». و نیز می‌فرماید:

﴿وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ، وَلَكِنْ مَّا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ﴾ [الأحزاب: ۵]. «کار ناشایسته‌ای که به خطا انجام داده اید بر شما گناهی نیست ولی کار زشتی که با اراده قلبی انجام می‌دهید (از آن مؤاخذه می‌شوید)». و همچنین هیچ نظریه و اصولی مشاهده نمی‌شود مگر آنکه درباره آن در قرآن و سنت پیامبر اسلام حکمی وارد شده است و فقهاء اسلام خود را به نصوص شریعت اسلامی مقدس کرده‌اند، اصول و نظریات و شرائط آن را با روح عمومی قانون گذاری شریعت اسلامی شرح و توضیح داده‌اند و فقهای اسلام علیرغم این همه بسیار کوشیده‌اند تا مسائل فرعی و جزئی را با اصول اسلامی تطبیق دهند، زیرا که شریعت اسلامی در حالات مختلف و گوناگون تمام فروع و جزئیات را بصورت تفصیلی بیان نکرده است تا به آنها عمل ممکن باشد و کسانی که ادعا می‌کنند که

فقه اسلامی از ابتکارات فقهاء اسلامی است حقیقتاً در اشتباه‌اند زیرا که فقه اسلامی را با فقه قوانین ساختگی مقایسه کرده‌اند حال آنکه چنین نیست زیرا تمام قوانین ساختگی را قبل از اجرای آن علمای قانون ابتکار می‌نمایند، در حالیکه قوانین اسلامی را فقهاء اسلام ابتکار نمی‌کنند بلکه واضح آن در حقیقت خداوند است.

من دوست دارم که این آقایان کمی مسائل مذهب اهل حدیث را مطالعه کنند زیرا فقهای اهل حدیث فقط از قرآن و سنت پیامبر و اجماع استدلال می‌کنند و حتی اصل قیاس و مذهب صحابی و احادیث مرسله را قبول ندارند اما آنان نیز برای هر حکم و اصل و نظریه‌ای از قرآن و سنت پیامبر نص صحیحی پیدا نموده‌اند. فکر می‌کنم با ذکر این همه دلائل آقایان بابتباه خود در مورد فقهاء اسلامی پی‌برده قانع شوند.

گروه دانش آموختگان اسلامی

این گروه تمام تحصیل کرده‌های تحصیلات عالی و کم رتبه اسلامی را در بر می‌گیرد و تعداد آنها بسیار است ولی نسبت به تحصیل کرده‌های اروپایی در اقلیت است و در میان توده مردم مسلمان نفوذ بسزایی دارد، اما در مسئولیت‌های دولتی هیچ‌گونه سهمی ندارد و مسئولیت‌های بسیار نادری چون وعظ و ارشاد امامت در مساجد و تدریس در مدارس به آنها داده می‌شود و گاهی هم مسئولیت قضا را نیز دارا می‌باشد ولی اختیارش محدود است و نمی‌تواند به جز در مسائل احوال شخصی قضاوت کند.

قبل از دخول قوانین اروپایی در کشورهای اسلامی این گروه سلطه کامله داشت ولی پس از جای‌گزینی قوانین اروپایی در کشورهای اسلامی دایره قدرت آن کم کم تضعیف و از صحنه عمل خارج گشت و بعد از گذشت مدتی طولانی اکثریت آنها با این وضع مأنوس شدند و با دلی ناخواسته در مقابل آن سکوت اختیار نمودند.

این گروه مسئول مستقیم دفاع از اسلام قلمداد می‌شود چون از احکام اسلام آگاه‌تر و

در دفاع از اسلام می‌تواند از قدرت و نیروی بیشتری برخوردار باشد اگر چه بعضی معتقداند دگرگونیها و تحولاتی که در طول تاریخ باربار رخ داده است عجز و ناتوانی این گروه را ثابت کرده است، که دیگر نمی‌تواند مدافع اسلام باشد چون اکنون نظام اسلامی کاملاً تعطیل گشته و قوانین ساختگی استقرار یافته و جای آن را پر کرده است و گروه جدیدی که از اسلام آگاهی ندارد و ما سوای احکام عبادات و احوال شخصی چیز دیگری نمی‌داند جای گروه قبلی را اشغال نموده است حتی جهالت و نادانی مسلمانان بجایی رسیده است گمان می‌کنند قوانین ساختگی که در کشورهای اسلامی اجراء می‌شوند عین احکام اسلام‌اند یا لا اقل اسلام اجرای آنها را انکار نمی‌کند. و دانش آموختگان اروپایی گمان کردند که اسلام نام مسائل عبادی است و هیچ رابطه‌ای با سیاست و صلاحیت حکومت را ندارد و بالاخره بجز از علمای اسلام همه از نظام اسلام بی‌خبر ماندند برای علما این باعث عیب و سرزنش نمی‌شود که بارها از اسلام دفاع کرده‌اند و شکست خورده‌اند و شکست‌شان طبیعتاً سبب نتایج نامطلوبی شده است، و اما برای آنها این موجب ننگ است اگر وقت و کوشش خود را در راه دفاع از اسلام صرف نکنند حقیقت این است که آنها با توجه به زمان نامساعد تمام وقت و توان خود را برای دفاع از اسلام صرف نموده‌اند و همیشه در کوشش و جهاد مداوم و مستمر می‌باشند و از خداوند امید غلبه و پیروزی را دارند.

آری در کشورهای اسلامی گروهی از دانش آموختگان عالی رتبه وجود دارد که بسیار حریص است تا اسلام دوباره مجد خود را بازیابد و این گروه در راه دعوت اسلامی از سرزنش و ملامت هیچ کسی نمی‌ترسد و هیچ‌گونه عیبی جز این ندارد که بیشتر تحت تأثیر اسلاف خود قرار گرفته و اکثر سعی و کوشش خود را در عبادات و وعظ و ارشاد متمرکز نموده است و اگر آنان بیشتر در مورد تعطیل قوانین اسلامی و جایگزینی قوانین ضد اسلامی در کشورهای اسلامی مسلمین را از وظیفه و مسئولیتشان در مقابل این قوانین ساختگی آگاه می‌کردند و برای جهاد و مبارزه آماده می‌شدند، آنگاه دعوت آنها

بهبتر بنفع اسلام و مسلمین می‌شد و خصوصاً امروز که بعضی از کشورهای اسلامی دارای حکومت دموکراسی هستند و برای بدست آوردن حکومت اکثریت مردم ملاک‌اند چه عقیده و مرامی که داشته باشند (در انتخابات) موفق می‌شوند.

روش دعوتی که این گروه جدید بسوی اسلام و عمل به قوانین و دستورات آن در پیش گرفته ممکن است برای گروه بیسواد مؤثر باشد و اما این روش نمی‌تواند قشر تحصیل کرده اروپایی را قانع کند در حالی که این‌ها بر تمام زندگی اجتماعی مردم مسلط‌اند و حکومت در کشورهای اسلامی در دست همین گروه است و چه بهتر بود که علمای اسلام با سعی و کوشش خویش این گروه را قانع و از دستورات اسلام آگاه می‌ساخت و اگر آنها اسلام را می‌فهمیدند بهترین سفیران و داعیانی برای نشر ایده اسلامی می‌شدند.

مناسب است تا علمای اسلام به امور زیر توجه کنند:

دوست دارم که علمای اسلام برای دانش آموختگان اروپایی در همه احوال و همه روزه نحوه مخالفت قوانین ساختگی را با قوانین اسلامی و حکم اسلام را درباره‌ی کسانی که این قوانین باطل را اجراء می‌کنند بیان می‌نمودند، زیرا این گروه تحصیل کرده اروپایی اگر چه از حقائق اسلام آگاهی ندارد ولی مسلمان است و برای فرا گرفتن احکام اسلام استعداد و اشتیاق دارد و من دوست دارم تا علمای اسلام راه را بر تحصیل کرده‌های اروپایی هموار کنند تا آنها بتوانند اسلام را درست بررسی کرده و به تمام اصول و نظریاتی که برتری نظام آن را بر قوانین ساختگی اثبات می‌کند اطلاع و آگاهی پیدا کنند و علمای اسلام می‌توانند خواسته‌های آنها را باین صورت برآورد نمایند که از تمام مذاهب فقهی هیئت‌هایی تشکیل شود و هر هیئتی وظیفه دارد کتابهای مهم هر مذهبی را جمع آوری کند، سپس همه با هم کتاب واحدی به یک زبان ترتیب و تنظیم فهرست بندی و به سبک جدید تألیف نمایند و یا کتابهایی در زبان جدید که قوانین اسلامی را

طبق مذاهب مختلف فقه اسلامی بررسی کرده بصورتی جالب و موضوعی تألیف نمایند مانند: کتابی در خرید و فروش و دیگری در مسائل جاری و سومی در مسائل مشارکت و چهارمی در مسائل افلاس و...

و دوست دارم تا علمای اسلام که حکم اسلام را درباره قوانین خلاف اسلامی و واضعین قوانین ساختگی و مجریان آن را برای مسئولان کشوری و هیئتهای قانون گذاری بیان کنند زیرا این همه تخلفات از آن جهت است که آنها از احکام اسلام آگاهی ندارند. دوست دارم علمای اسلام بصورتی در کارهای دولتی دخالت کنند که هیچ قانونی بدون نظارت و مشوره آنها تصویب نگردد تا هیچگونه قانونی خلاف اسلام وضع نشود. ای علمای اسلام می‌دانید که بزرگ‌ترین عیب در کشورهای اسلامی این است که تمام مسئولان کشوری و حتی توده مردم از دستورات اسلام ناآگاه‌اند و مهم‌ترین وسیله برای اصلاح وضع فعلی گسترش دستورات اسلامی است، پس شما قیام کنید و مردم را از دستورات و قوانین اسلامی آگاه سازید زیرا هرگز مسلمانی پیدا نمی‌شود که از فرا گرفتن دستورات اسلام احساس شرم کند.

و بالاخره و وقتیکه من دانش آموختگان اروپایی را به جهالت از دستورات اسلامی متهم می‌کنم قصدم هرگز کاستن احترام آنها نیست، بلکه حقیقت را برایشان بازگو می‌کنم و من خودم هم یکی از آنها هستم و قبل از اینکه تعلیمات اسلامی را فراگیرم مثل آنها از نظام اسلام جاهل بودم، تا اینکه خداوند متعال بر سرم رحم کرد و سپس متوجه شدم که جهالت و نادانی انسان را بکجا می‌کشاند.

بنابراین، من دوست ندارم که حال برادران و دوستانم مثل حال گذشته من باشد که تا امروز هم از خداوند از حال قبلی ام استغفار می‌جویم.

و هنگامیکه علمای اسلام را مخاطب قرار می‌دهم تا برای دعوت اسلامی روش وسایل معینی را اتخاذ کنند هرگز آنها را مقصر نمی‌دانم بلکه این نصیحتی برادرانه است که اسلام ما همه را مؤلف ساخته است و چون من با قشر دانش آموخته اروپایی زندگی

کرده‌ام ایده و مرام آنها را خوب می‌دانم، بنظر من بهترین خدمت برای اسلام این است که آنها را باتعلیمات اسلامی آشنا سازیم.

حالا حضرات علمای اسلام اختیار دارند نظر مرا قبول کنند یا رها سازند و از خداوند خواستارم تا همه ما را به انجام دادن هر کاری که در آن خیر اسلام و مسلمین است توفیق دهد.

مسئول نابسامانی‌های مسلمانان کیست؟

تمام مسلمانان جهان مسئول نابسامانی‌های مسلمین و تعطیل قوانین اسلامی هستند اگر چه مسئولیت بعضی کمتر و مسئولیت بعضی بیشتر است و اما همه مسلمین مسئول جهالت، فسق و فجور، تفرقه، ضعف و ذلت، فقر و بهره‌کشی، نابودی و اختلاف مسلمانانند.

مسئولیت توده مردم:

تمام مردم مسلمان مسئول وضع فعلی اسلام هستند، زیرا اسلام از آن جهت بصورت فعلی درآمده است چون توده مردم از قوانین اسلام بی‌خبراند و ناآگاهانه کم‌کم از نظام اسلام منحرف و دور شده‌اند و توده مردم با فسق، کفر و الحاد، باندازه‌ای مانوس شده است که این همه اوضاع را می‌بیند و فکر می‌کند اسلام بآن مخالفتی ندارد و گمان می‌کند که اسلام با فسق و فجور، کفر و الحاد، کاری ندارد و دستور مبارزه نداده است.

اسلام تعلیم و تعلم احکام اسلامی را بر تمام مسلمین فرض قرار می‌دهد. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ﴾ [التوبة: ۱۲۲].

«پس چرا از هر طائفه‌ی گروهی آماده نمی‌شود تا در احکام اسلامی مهارت پیدا کند و پس از برگشت بسوی قومش آنها را از (عذاب خداوند) بترساند».

و همیشه گروه‌هایی از مسلمین پس از تحصیلات علوم اسلامی بسوی قوم خویش بازگشته و آنها را درس اسلام داده‌اند ولی دولت‌های اسلامی سد راه دعوت آنها شده‌اند و علیه آنها بجنگ پرداخته‌اند و بخاطر جلب رضایت استعمارگران و پیروی از طاغوت‌ها و اظهار مؤدت و دوستی با دشمنان اسلام، از پیشرفت دعوت اسلامی جلوگیری نموده‌اند

و توده مردم بجای اینکه عدم رضایت خود را به دولت‌های اسلامی اعلام کنند بر عکس به وضع آنها راضی شده‌اند و برای نابودی اسلام و نهضت‌های اسلامی شریک دولت‌ها گشته قدرت و عزت و حیثیت خود را از دست داده‌اند و برده زورگویان و استعمارگران و مسئولان کشورها شده‌اند و موجب از دست دادن رزق و قدرت کرامت و آزادی خویش گشته‌اند و علت همه بدبختی‌ها این است که مسلمانان مکتب نیرومند و با عزت خویش را ترک کرده‌اند و اگر امروز هم مجدداً بسوی آن باز گردند، قدرت، عظمت و آبروی از دست داده خویش را باز خواهند یافت.

آری توده مردم مسلمانان در غفلت و بی‌تفاوتی مهلکی بسر می‌برند از دین و دنیا و حتی از خویشتن بی‌خبرند و اگر روزی چشم‌های حقیقت بینشان باز گردد خواهند دانست که بعلت انحراف و دوری از تعلیمات قرآن کریم در دنیا و آخرت چقدر خسارت دیده‌اند.

مسئولیت دولت‌های اسلامی:

دولت‌های اسلامی از همه بیشتر مسئول تعطیل قوانین اسلامی و مسئول ذلت و خواری مسلمین‌اند زیرا که آنها نظام اسلامی را از شئون زندگی مردم مسلمان دور کرده‌اند و بر سر آنها نظام‌هایی نامشروع و غیر الهی مسلط نموده‌اند.

آری دولتهای اسلامی مسلمانان را از هدایت ربانی باز می‌دارند و آنها را بسوی ضلالت و گمراهی نظام اروپایی رهنمون می‌سازند و در میان آنها قوانین ساختگی را اجرا می‌کنند و نظام اسلامی را رها می‌سازند، و حکومت‌های اسلامی از نظام سیاست اداره و اصول اسلامی خارج شده‌اند و در آنها آزادی، مساوات و عدالت اجتماعی وجود ندارد و تمام واجبات اسلامی را طرد نموده‌اند، در میان مسلمین تعاون و تکافل و تراحم وجود ندارد و محرمات اسلامی از قبیل ظلم، بهره‌کشی و فئودالی را تشویق نموده‌اند و جامعه اسلامی ما را بر فساد و افساد فسق و عصیان، تن‌پروری و تجاوز استوار کرده‌اند و

حکومت‌های اسلامی مسلمانان را نمی‌گذارند تا دین خود را بیاموزند و پروردگار خویش را بدانند و واجبات خویش را بجای آورند و حکومت‌های اسلامی، با دشمنان اسلام بجای دشمنی دست رفاقت و دوستی داده‌اند و بجای نافرمانی از آنها اطاعت و پیروی می‌کنند و دولتهای اسلامی باعث این همه ضعف و ذلت، فقر و بهره‌کشی، فساد و تجاوز مسلمین شده‌اند.

مسئولیت رهبران کشورهای اسلامی:

رهبران کشورهای اسلامی وظائفشان نسبت به وضع فعلی اسلام و مسلمین از همه سنگین‌تر در تمام مسائل کوچک و بزرگ مسئول‌اند ممکن است قوانین ساختگی از آنها درگذر کند اما اسلام هیچگاه صرف نظر نمی‌کند و از تمام مسائل کوچک و بزرگ آنان را مسئول می‌داند، ای مسئولان کشورهای اسلامی: حکومت و قدرت در دست شما است و شما می‌توانید اسلام را مجدداً بعظمت سابقش برگردانید ولی شما دانسته یا نادانسته به پیروی از اسلاف و گذشتگان خویش همه نیرو و توان خود را علیه اسلام صرف می‌کنید و این اوضاع اسلام را ضعیف و پیروان آن را از تقدم و پیشرفت باز می‌دارد و بالاخره ضعف اسلام، ضعف شماست و قدرت اسلام قدرت شماست و اگر شما از افراد و رعایای دولتی قوی و نیرومند باشید این بسیار برایتان بهتر است تا آنکه پادشاهان و امیران رؤسای دولتی ضعیف و ناتوان بوده که یک مسئول کوچک از سوی استعمارگران بر سر شما امر و نهی کند دولتهایی را نابود و دولت دیگری را بوجود بیاورد و دستورش تخت ریاستها را به لرزه در آورده و قدمهای رؤسا و امراء را متزلزل سازد.

و ای رهبران کشورهای اسلامی: شما متفرق هستید ولی خیر اسلام در وحدت قوای شماست و شما از یکدیگر دور و جدا از هم هستید ولی نفع شما و خیر اسلام در این است که با هم وحدت تعاون و همکاری داشته باشید و اگر شما مطیع و دوست همدیگر باشید، بسیار بهتر از آن است تا مطیع و دوست استعمارگران باشید.

ای رهبران اسلامی: شما قبل از همه مسلمان هستید پس اسلام را در رأس تمام امور و برنامه‌ها قرار دهید و آن را بر خواهشات نفسانی خودتان حاکم گردانید، اساس و پایه‌های حکومت خویشان را بر قوانین اسلامی استوار سازید زیرا که شما زندگی جاودانی ندارید و روزی خواهید مرد و بعد از مرگ بهشت است یا آتش دوزخ مال و خانواده بشما نفعی نمی‌رساند بلکه عمل صالح و قیام به اوامر خداوند است که شما را یاری می‌نماید و از این چه بهتر که تاریخ شهادت می‌دهد که شما همه برای دعوت حکومت اسلامی با همدیگر همکار کرده اید و انگیزه نامشروع سلطه و ریاست طلبی شما را از قیام حکومت اسلامی بتأخیر نینداخته است.

و قیام حکومت اسلامی فقط به قوه اراده و پیروزی بر خواهشات نفسانی نیاز دارد و اگر شما بر نفس تان غلبه حاصل کردید آن وقت پیروز خواهید شد و اما اگر در مقابل منافع شخصی همچون، حکومت و ریاست سست و ضعیف شدید آنوقت تمام مسلمین در تفرقه و سستی، ضعف و ذلت زندگی می‌کنند استعمارگران و قدرت‌های بزرگ بر سر شما و آنها حکومت و فرمانروایی می‌کنند و باعث ترس و وحشت می‌شوند شما و آنها را ضد یکدیگر تحریک کرده بهره‌کشی می‌نمایند، زیرا استعمارگران درست دریافته‌اند که قدرت همیشه با وحدت و یکپارچگی همراه است و بس.

ای رهبران کشورهای اسلامی: برای دریافت سلطه و حکومت، القاب و تاج‌ها حرص نورزید زیرا همین حرص است که باعث ضعف و ذلت روحی مسلمین گشته است و آنها را به دولتهایی ضعیف و ناتوان و کوچکی تقسیم نموده است تا جایی که نمی‌توانند در مقابل دشمنان، از خود دفاع کنند و حق مسلم خویش را بگیرند و نیز مسلمین با کثرت عدد و وسعت زمین و کثرت مواد خام و نیروی انسانی و همواری اسباب قدرت و عظمت امروز در تمام جهان ضعیف و ذلیل و ناتوان‌ترین انسان روی زمین نزد دولتهای استعمارگر بشمار می‌آیند و اگر شما حریص منافع و مناصب و القاب هستید باز هم بهر

شکلی که شده با همدیگر متفق و متحد شوید تا تمام مسلمین جهان (در مقابل استعمارگران شرق و غرب) ید واحد و نیروی واحدی قرار گیرند.

ای رهبران کشورهای اسلامی: این همه لقبها و منصبها نمی‌توانند در مقابل خداوند شما را بی‌نیاز سازند بلکه خداوند شما و گذشتگان شما را مورد بازخواست قرار می‌دهد و از وضع فعلی اسلام و مسلمین که در کشورهای شما نظام آن مهمل و تعطیل شده و مسلمانانی که شما باعث تفرقه وحدت و ضعف قدرت و سبب نابودی حکومت آنها گشته اید، خواهد پرسید شما و گذشتگان شما، مسلمانان را در تمام جهان الگو و نمونه تفرقه، ناتوانی، بی‌شرمی و طمع کاری که مردان شرافتمند را ذلیل و کمر شیر مردان را کج و بینی رهبران متعهد را به خاک می‌مالد معرفی نموده‌اید.

ای رهبران کشورهای اسلامی: برای سلطه و امارت حرص نورزید زیرا که حضرت پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «إِنَّكُمْ سَتَحْرُصُونَ عَلَى الْإِمَارَةِ وَإِنَّهَا سَتَكُونُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَسْرَةً وَنَدَامَةً فَيُعَمَّتِ الْمُرْضِعَةُ وَبُئِستَ الْفَاطِمَةُ» «شما بزودی برای دریافت امارت حرص می‌ورزید و امارت در روز قیامت باعث ندامت می‌شود. پس چه خوب شیردهنده و پس گیرنده‌ای است».

و بدانید که امارت امانتی از جانب خداوند است و کسی که امیر باشد و تمام مسئولیتها و واجبات خویش را درست انجام دهد در روز قیامت از عذاب خداوند نجات می‌یابد پس به این امانتها خیانت نکنید زیرا که خداوند از شما بازخواست خواهد کرد و نیز فرمان پیامبر اسلام ﷺ را هنگامی که حضرت ابوذر در خواست امارت نموده بود همیشه آویزه‌گوشان قرار دهید که می‌فرماید: «يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّكَ ضَعِيفٌ وَإِنَّهَا أَمَانَةٌ وَإِنَّهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ حِزْبٌ وَنَدَامَةٌ إِلَّا مَنْ أَخَذَهَا بِحَقِّهَا وَأَدَّى الَّذِي عَلَيْهِ فِيهَا» «ای ابوذر تو ناتوانی و امارت امانتی است و همانا آن (امارت) در روز قیامت باعث رسوایی و ندامت می‌شود مگر برای کسی که آن را درست دریافت کرد و حق آن را ادا نمود».

مسئولیت علماء اسلام:

گناه وضع فعلی اسلام و مسلمین و استعمارگران نادان و تجاوزگر علیه اسلام برگردن علمای اسلام است و علمای اسلام اهل این نیستند زیرا که آنها گاهی بعلت همکاری با دولتهای اسلامی و گاهی سکوت به استعمار کمک و یاری کرده‌اند و توده مردم را در جهالت و نادانی از احکام اسلامی و خواست اسلام رها نموده و با این طرز عمل در میان اسلام و مسلمین حائل گشته‌اند زیرا که حکم اسلام را در باره استعمار و استعمارگران و نیز دولتهایی که استعمار را تأیید و با استعمارگران مؤدت و دوستی دارند برای مردم بیان نموده‌اند، بنابراین مردم سکوت اختیار کرده و از دولت‌های خدمتگزار استعمارگر پیروی و اطاعت کرده‌اند و نظام اسلامی بعلت سکوت حضرات علماء نابود گشته و توده مردم از نابودی اسلام راضی شده و علیه آن با دولتهای همکاری نموده‌اند زیرا آنها معتقدند که هیچ وقت علماء اسلام به اجرای قوانین غیر اسلامی راضی شده، سکوت اختیار نمی‌کنند. و علماء اسلام، چشم‌های خود را بسته و بر دهان مهر سکوت زده و انگشتان را در گوششان نهاده در خواب غفلت بسر می‌برند و بعد از گذشت چندین قرن هم از خواب بیدار نمی‌شوند، بنابراین پشت سر آنها مسلمین هم بخواب رفتند و تصور کردند که اسلام دیگر در امان است ورنه علمای بزرگ اسلام از آن غافل و در خواب بسر نمی‌بردند از مدت طولانی است که علمای اسلام خوابیده‌اند و بر هیچ وضعی از اوضاع ضد اسلامی اعتراض و تهاجم نمی‌کنند و برلغو قوانین مخالف اسلامی مطالبه نمی‌نمایند و هیچ وقت اجتماعی تشکیل نداده‌اند و بصورت گروهی و دست جمعی بازگشت بسوی نظام اسلامی را مطالبه نکرده‌اند. و حکام کشورهای اسلامی مرتکب ظلم و ستم حلال کردن حرام‌ها، خونریزی و آبرو ریزی شده‌اند و در زمین فساد نموده‌اند و از دستورات خداوند تجاوز کرده‌اند تا هم علماء اسلام در مقابل ظلم و ستم قیام نکرده‌اند و به حلال شدن حرام‌ها خشم نگرفته‌اند گویا که از نظر اسلام هیچگونه مسئولیتی ندارند و اسلام وظیفه امر به معروف و نهی از منکر و نصیحت حکام و مسئولین و مطالبه بازگشت بسوی نظام اسلامی را بر آنها واجب و فرض قرار نداده است.

دولت اسلامی (حکومت عثمانی) اشغال گشت و اما علمای اسلام خشم نگرفتند و مسئله جهاد را علیه اشغال گران و حکم مؤدت و دوستی با آنها را طبق فرمایشات قرآن و سنت پیامبر اسلام ﷺ برای مردم بیان نمودند.

و علمای اسلام وظیفه داشتند تا با اشغالگران قطع رابطه کنند و اما متأسفانه آنها با دشمنان اسلام اظهار مؤدت نمودند و در کشورهای اسلامی اشغال شده مقرر و پایگاهی برای احیاء و برگزاری بعضی از مراسم اسلامی اتخاذ نمودند.

قوانین ساختگی در کشورهای اسلامی بمرحله اجرا درآمدند و آنها کاملاً ضد نظام اسلام بودند و اجرای آن باعث تعطیل نظام اسلام و موجب حلال شدن حرام و حرام شدن حلال می‌گشت و اما علمای اسلام برای نابودی نظام اسلام و آینده خویش ناراحت و خشمگین نشدند و حال آنکه خوراک و پوشاک و زندگی آنها از اسم اسلام تأمین می‌شد تا هم هیچگاه برای حفظ آینده خویش و اسلام جمع نشده و مشورت نکردند در کشورهای اسلامی، فسق و فجور، حلت محرمات گسترش یافت و مراکز فحشاء و رقص تأسیس گشت و دولتهای اسلامی رسماً زنان مسلمان را اجازه فحشاء و خود فروشی دادند و مردم به کارهای خلاف اسلامی آشکارا عمل کردند و اما علمای اسلام کناره گیری کردند و به تکان دادن سر و زمزمه لب‌ها اکتفا نمودند.

و در کشورهای اسلامی مدارس مدنی با تعلیمات ضد اسلامی تأسیس گشت و علمای اسلامی نخستین کسانی بودند که از آنها استقبال نمودند و فرزندان خویش را رهسپار آن کردند و مدارس تبشیری که مسئولیت تبلیغات مسیحیت و گمراه کردن فرزندان مسلمین را بعهدده داشت تأسیس شده و علمای اسلام دختران خود را در این مدارس فرستادند، تا زبان اجنبی، آداب رقص و دین مسیحی را بیاموزند و هرگاه دولتی را مشکلی پیش می‌آمد بسوی علمای اسلام مراجعه می‌کرد و علماء اسلام مسلمانان را هرچه زودتر بسوی اطاعت و پیروی از دولتهایی باز می‌گرداندند که شراب و زنا را حلال

کفر و فسق را جائز و قانون اسلامی را حسب خواهشات نفسانی حکام و مردم و گروه‌هایی خاص تغییر می‌دادند.

و این وضع مسلمین مدت درازی طول کشید، حتی توده مردم مسلمان گمان کردند که این وضع فعلی پر از فسق و فجور و عصیان کشورهای اسلامی عین اسلام است بنابراین فسق و فجور و فساد عمومیت یافت و اصلاح مشکل گشت و این همه نتیجهء سستی و بی‌توجهی علمای اسلام نسبت به قوانین اسلامی بود.

بدون شک علماء وارثان پیامبرانند بنابراین در خور شایسته است که در میراث پیامبر اسلام این موقف را اتخاذ نمایند زیرا خداوند بر سر آنها وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را واجب قرار داده است و اگر حضرات علمای اسلام در این مورد سستی و سهل انگاری نشان دهند پس کیست که عهده دار این وظیفه مهم می‌گردد. لکن خداوند اخیراً چشمهای علمای مصر را باز کرده است و بر عکس عادت قبلی جمع می‌شوند و سخنرانی می‌کنند و مردم را بسوی تظاهرات و اعتصابات دعوت می‌دهند، آیا این همه بخاطر اسلام و نظام اسلامی است؟ بخدا سوگند هرگز نه!

بلکه آنها برای رتبه و مقام مادی، آبرو و حیثیت شخص قیام کرده‌اند اجتماعاتی مقرر و خواسته‌هایی مطرح و بالحن تند و شدیدی سخنرانیهای آراسته با آیات قرآنی و روایات پیامبر اسلام ﷺ ایراد نمودند و آنها این همه را نه برای اسلام بلکه برای نفس خود و کسب آبروی خویش انجام داده‌اند، گویا که حیثیت و آبروی اسلام نزد آنها از نفس و آبروی خودشان کم ارزش‌تر است و از همه تأسف آورتر این است که در همین جلسات گروهی اراده کرد تا در مورد اسلام صحبت کند و اظهار نماید که این همه خشم مردم بخاطر اسلام است ولی علمای اسلام ناراضی شدند و آنها را به سکوت وادار کردند. گویا هر عملی بخاطر اسلام صورت گیرد نزد حضرات علماء چیز منکری محسوب می‌شود.

ای علمای اسلام!

ای علمای اسلام در مورد خویش و اسلام از خداوند بترسید.
و ای علمای اسلام، بی‌ارزشی شما نزد دولت‌ها و حکام از آن جهت است که نزد شما اسلام بی‌ارزش شده است.
ای علمای اسلام! عزت و قدرت شما از عزت و عظمت اسلام سرچشمه می‌گیرد اگر شما عزت و قدرت می‌خواهید پس برای عزت و عظمت اسلام بکوشید.
ای علمای اسلام! مسلمانی این نیست که شما در بیان حکم الهی بر زبانان مهر سکوت نهاده و چشم‌های خویش را از دشمنان اسلام ببندید و آنها قوانین اسلامی را نابود سازند.

ای علمای اسلام! مسلمانی در این خلاصه نمی‌شود که شما بر سر منبرها ایستاده و مردم را از محاسن اخلاقی و انجام دادن عبادات وعظ و ارشاد کنید و اما در مسائل حکومت و مسئولین، قوانین گذاری و قضاوت و از مسائل اقتصادی و اجتماعی و چگونگی روابط با دشمنان و دوستان مردم را بی‌خبر رها سازند.

ای علمای اسلام! چرا مردم را آگاه نمی‌کنید حال آنکه وظیفه شما بیان است و چرا حکم اسلام را برای مردم درباره حکام و مسئولانی که مسلمانان را به اجرای قوانین غیر اسلامی مجبور می‌سازند بیان نمی‌کنید که آیا از نظر اسلام اطاعت و فرمانبری از چنین حکام واجب است یا بر عکس عصیان و نافرمانی و خروج علیه آنها و چرا حکم اسلام را درباره‌ی قوانین ساختگی برای مردم بیان نمی‌کنید، که آیا اطاعت و پیروی از چنین قوانینی ضروری است یا عصیان و نافرمانی؟

و با توجه به اوضاع نابسامان مالی و اقتصادی مسلمین چرا حکم اسلام را در باره سودجویی و بهره‌کشی و احتکار بیان نمی‌کنید.

و نیز چرا حکم اسلام را درباره‌ی اوضاع مخالف اسلامی برای مردم بیان نمی‌کنید که آیا در وقت حاضر سکوت واجب است و یا بر عکس واجب است که مردم مسلمان علیه چنین اوضاعی قیام کنند و آنها را نابود سازند؟

و چرا حکم اسلام را برای مردم در مورد نصیحت و ارشاد مسلمین بیان نمی‌کنید آیا در طول زندگی فقط یکبار نصیحت لازم است و بس و یا به مقتضای حال تکرار نصیحت واجب و ضروری است تا مردم همیشه و هر ساعت حکم اسلام را در تمام مسائل زندگی بدانند؟.

و چرا حکم اسلام را در مورد مسلمانی بیان نمی‌کنید، که خواستار احترام شخصی خویش است و اما خواستار احترام نظام اسلام نیست؟.

ای علمای اسلام! من منکر این نیستم که در میان شما گروه کوچک و با شرافتی وجود دارد که به دستورات کتاب الله عمل کرده و استقامت نموده است، علم و دانش قدرت و زندگی خود را در راه برپایی نظام اسلام صرف کرده و در ادامه این راه از ملامت و سرزنش هیچ کسی نه‌راسیده است.

لکن به خدا سوگند این گروه کوچک احساس شرم می‌کند که خود را بشما نسبت دهد و عمل خیر این گروه کوچک از بدرفتاری و گناهان شما نمی‌کاهد و زنگار سستی و سهل انگاری شما را دور نمی‌کند.

ای علمای اسلام! خویش را به رنگ این گروه صالح درآورید و پیرو آنها باشید و برای اسلام خدمت کنید زیرا که از مدت طولانی است شما ساکت نشسته اید و به خدا سوگند، این روش برای شما و اسلام بسیار بهتر است.

شهید عبدالقادر عوده

ترجمه‌ء این کتاب در سال ۱۳۶۳ به اتمام رسید.

عبدالرحمن الله‌وردی